

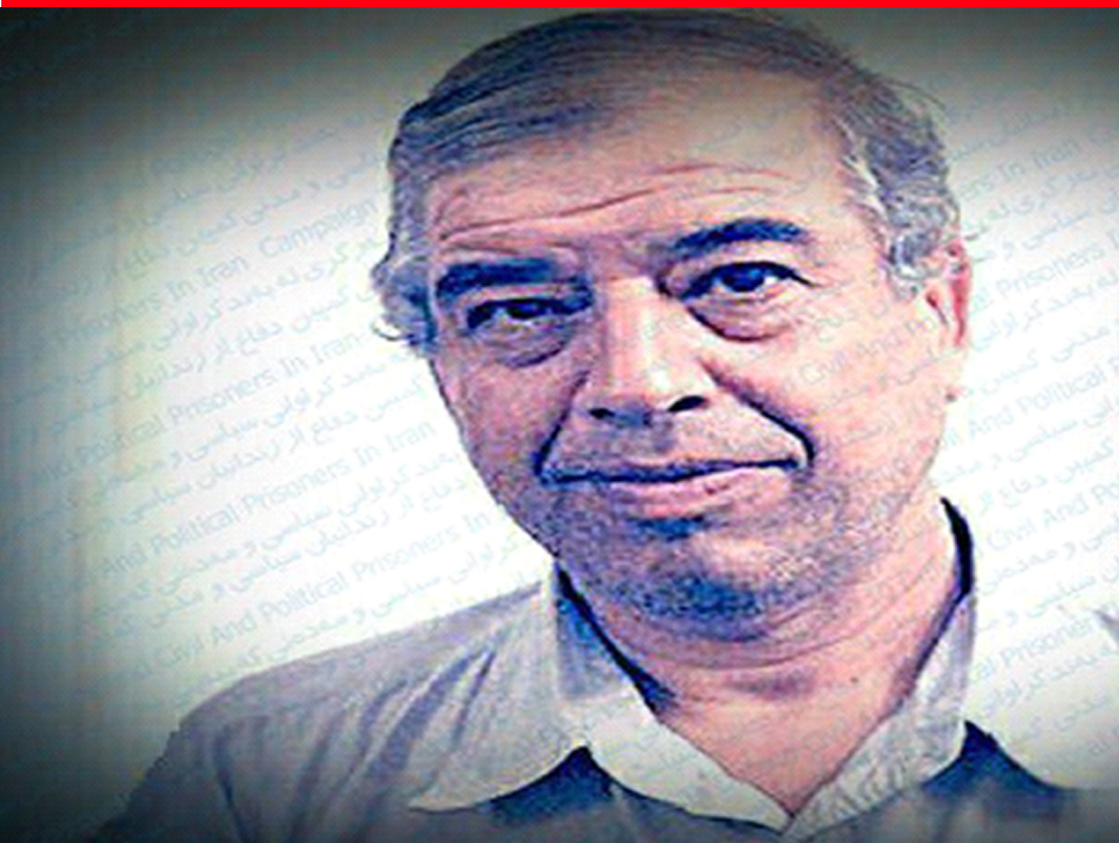
پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۷۳ / سال هشتم / آبان ماه ۹۷ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



ابراهیم مددی رهبر سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران نباید زندانی شود!





پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزیینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه‌ای

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

در این شماره می خوانید:

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۱۳

برای فرسید هکی، جان شیفته انسانیت! ص ۳۱

از دستاوردهای کارگری رایماوزیم! ص ۳۳

پاسخ به انتقادات ص ۳۵

صدای اعتراض ما به گوش کسی می رسد؟ ص ۳۹

وظیفه ناخیر ناپذیر کارگران احیای حقوق سندیکایی ص ۴۱

چه کسی در سودآوری ذوب آهن کوشید؟؟ ص ۴۵

سندیکا سنگر زحمتگشان! ص ۴۶

پیروزی دیگری برای کنشگران ذوب آهنی ص ۴۷

واگوبه های وارثان ص ۴۸

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی ص ۴۹

زنان شاغل از مشکلاتشان در محیط کار می گویند ص ۵۰

وزیر تنهایی در انگلیس ص ۵۱

سخنان خوزه موخیکا رئیس جمهور فقیر در مستند "بشر" ص ۵۲

جکیده ای از مانیفست حزب پیشتران عدالت ص ۵۳

در زمان بحران های اقتصادی جامعه به کدام سو خواهد رفت؟ ص ۵۴

زندانی در برزیل ص ۵۵

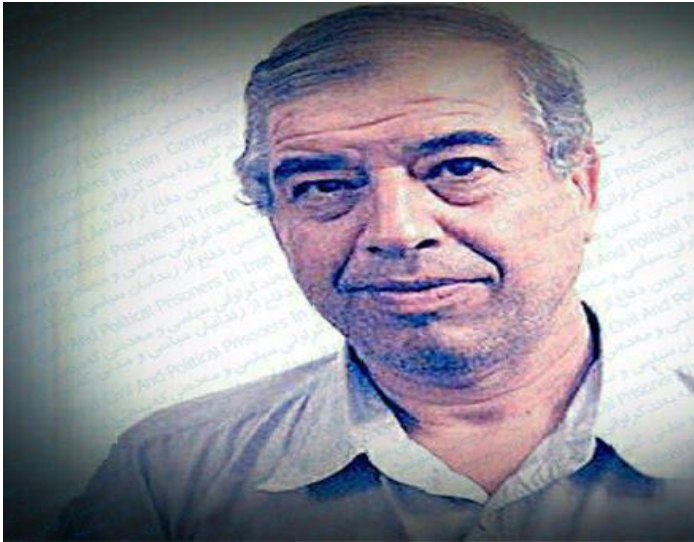
مبانی اقتصاد سیاسی ص ۵۶

پیدایش و تکامل حیات ص ۵۸

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دوزبانۀ سندیکای

کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com مراجعه کنید.

چرا ابراهیم مددی ها باید به زندان بروند؟!



پس از مدت ها، حکم زندان پنج سال و سه ماه برای ابراهیم مددی رهبر سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از سوی شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر دادگاه انقلاب تهران تایید شد و ایشان باید روانه زندان گردند.

ابراهیم مددی از رهبران خوش فکر و ممتاز جنبش کارگری و سندیکایی است که تلاشش برای بنیان گذاری سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در تاریخ ماندنی است.

با توجه به اینکه سندیکای کارگران شرکت واحد اعلام کرده است که در تدارک مجمع عمومی سندیکاست، اجرای این حکم معنای خاصی پیدا می کند.

این درحالی است که رضا شهابی از اعضای هیات مدیره در بستر بیماری است که تحمل مشقات زندان او را به این روز انداخته است .

آیا آمدن وزیری که هم امنیتی بوده و هم در تعیین دستمزد در سال گذشته بیشترین مخالفت را با افزایش دستمزدها داشته است، نشانه برخوردهای خشن از این پس با سندیکالیست ها نیست؟؟ آیا به این دلیل نیست که با نبود این رهبر ممتاز سندیکایی قدم هایی علیه سندیکای شرکت واحد شکل بگیرد؟؟ چه کسانی در حاشیه سندیکای شرکت واحد خواهان حذف و زندانی شد چنین فرد موثری سندیکایی هستند؟؟ آیا ابلاغ زندان و شلاق برای کارگران کارخانه هپکو، به زندان محکوم نمودن کارگران فولاد، احضارهای مکرر سندیکالیست های نیشکر هفت تپه، دستگیری و زندانی کردن کوشندگان سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران که در یک تظاهرات سکوت نسبت به دستمزدهای خود در عسلویه معترض بودند نشانه فشار سنگین به کارگران برای دست کشیدن از حقوق سندیکایی و انسانی خود نیست؟ آیا به این دلیل نیست که فریاد رسای کارگران برای افزایش حقوق ها را در سراسر کشور نادیده بگیرند؟؟ و با بازی در شورای عالی دستمزد موضوع افزایش را به بهمن ماه بکشانند؟؟

ما ضمن محکوم کردن احکامی که کوشندگان کارگری را که به خاطر تلاش برای زندگی شایسته به زندان روانه می کنند، هشدار می دهیم که جامعه در وضعیت نگران کننده ای قرار دارد و به جای حذف چهره هایی چون ابراهیم مددی اختلاسگران و مافیای دلال خیمه زده بر روی ثروت مردم را به زندان بیفکنید .

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۹ آبان ماه ۱۳۹۷

حکم زندان پنج سال و سه ماه ابراهیم مددی تایید شد !

حکم زندان پنج سال و سه ماه ابراهیم مددی نایب رییس سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از سوی شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر دادگاه انقلاب تهران تایید شد و پرونده ایشان برای اجرا به شعبه اجرای احکام ارسال شده است. ابراهیم مددی بیش از شصت سال سن دارد و بیماری دیابت، چربی خون، فشار خون و پروستات حاد دارد. همچنین به دلیل اینکه سال گذشته سکتۀ گوشی کرده است یک گوش وی کاملاً شنوایی را از دست داده و گوش دیگرش نیز قدرت شنوایی بسیار کمی دارد.

ابراهیم مددی نهم اردیبهشت سال ۹۴ دو روز پیش از روز کارگر در نیمه های شب در منزلش توسط ماموران وزارت اطلاعات بازداشت شد. و پس از تفتیش منزلش ایشان را به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل کردند. و پس از بیست روز بازداشت موقت با قرار کفالت صد میلیون تومانی آزاد شد. ابراهیم مددی پیش از این نیز به دلیل دفاع از حقوق کارگران و فعالیت های سندیکایی به سه سال و شش ماه حبس محکوم و زندانی شده بود و بارها هم بازداشت های موقت چند روزه و چند ماهه شده است. دادگاه مصادیق اتهامی وی در پرونده های قبلی اش که مربوط به سال های پیش که منجر به محکومیت قبلی اش بوده را برای صدور محکومیت فعلی ایشان بکار برده است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه حکم بسیار ناعادلانه برای ابراهیم مددی را قویاً محکوم می کند. همچنین احکام ظالمانه علیه کارگران، معلمان، و فعالان صنفی را محکوم می کند و خواهان لغو فوری این احکام و آزادی تمامی فعالین صنفی می باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ۹ آبان ۹۷

حکم ناعادلانه زندان و شلاق کارگران هپکو را محکوم می‌کنیم!

آنچه در ماه گذشته بر زحمتکشان ایران گذشت برنامه نابودی خانواده های کارگری است .

شعبه ۱۰۶ دادگاه کیفری شهرستان اراک برای ۱۵ تن از کارگران شرکت هپکو حکم زندان و شلاق صادر کرده است. کارگران هپکو به دفعات و از جمله در خرداد ماه امسال در اعتراض به نابودی امنیت شغلی، معوقات مزدی و نامشخص بودن وضعیت خط تولید کارخانه هپکو اعتصاب کرده و با برپایی تجمع خواستار تامین حقوق حقه شان شده بودند.

اعتصاب سراسری رانندگان کامیون برای کسب مطالبات به حق که به ناچار دست به اعتصاب زده و ۱۷ تن را دستگیر و حتا اعلام حکم قطاع الطريق بر آنان بسته اند.

آموزگاران که از معیشت و بی قانونی در حق همکارانشان دست به اعتصابی مسالمت جویانه در دفاتر مدارس زده اند یک به یک دستگیر می شوند.

از سویی وزارت آقای شریعتمداری آن هم در وزارت کار چه پیامی برای کارگران و زحمتکشان میهن ما دارد؟؟

در حال حاضر صنعت، کشاورزی، دامپروری و باغداری با سیاست هایی که پرفسور مولانا و موسی غنی نژاد به دستور صندوق بین المللی پول در ایران اجرا کرده اند باعث رکود بی سابقه شده است. گزارشات کارگری ما نشان می دهد بیش از ۶۰ درصد کارگاههای شهرک های صنعتی تعطیل شده اند. هجوم کارگران بیکار برای گرفتن بیمه بیکاری در شعب تامین اجتماعی بی سابقه است که ورشکستگی سازمان تامین اجتماعی را در پی خواهد داشت.

ما می پرسیم آیا با توسل به اهرم قوه قضاییه می توان شکم گرسنه گان را به خاموشی فراخواند؟ آیا با آمدن آقای شریعتمداری قصد سرکوب بیشتر سندیکاهای کارگری و گرسنه تر کردن کارگران در برنامه وزارت کار گنجانده شده است؟؟؟

بی تردید اعتصاب و اعتراض حق کارگران و همه مردم ایران است ! و ما از این حق چشم پوشی نخواهیم کرد.

ما ضمن محکوم کردن این احکام ناعادلانه و غیر منطقی همبستگی خود را با آموزگاران، رانندگان کامیون و کارگران هپکو اعلام کرده و از خواسته هایشان حمایت می کنیم و از هر گونه کمکی دریغ نخواهیم ورزید.

زنده باد همبستگی کارگری

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۸ آبان ۱۳۹۷

ز اتحاد و هم دلی زاید بسی کار بزرگ

از نفاق و تک روی حاصل فقط بیچارگی است

متحد ها جمله نیرومند باشند و سترگ

تک روان را مزد ننگ و عجز و بندگی است

محمدحسین خوان یغما کارگرفلزکار

تسلیت!



مرگ دلخراش دکتر فرشید هکی فعال حقوق کودک، حقوق بشر، و اقتصاددان مردمی را به اطلاع هموطنان عزیز می‌رسانیم.

دکتر فرشید هکی جزو کاندیداهای شورای شهر سال ۱۳۹۶ بود که به همراه ۵ کارگر دیگر از سوی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران وارد این کارزار گردیده بود.

ما مرگ دلخراش ایشان را به خانواده محترمشان تسلیت گفته و از دستگاه قضایی خواهان روشن شدن زوایای تاریک مرگ ایشان هستیم.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۲۰ مهرماه ۱۳۹۷

تکذیبیه



در پی انتشار بیانیه کمیته دفاع از زندانیان سیاسی به جهت حرکت حق طلبانه رانندگان و کامیونداران و بر خلاف نظر خواهی و بدون هماهنگی با اینجانبان ابراهیم مددی و علی اکبر نظری در خصوص بیانیه فوق ، ضمن حمایت از حقوق همه زحمتکشان الخصوص رانندگان تکذیبیه خود را از این بیانیه منتشر شده را اعلام مینماییم و حذف اسامی خود را از بیانیه درج شده را خواهانیم.

ابراهیم مددی - علی اکبر نظری

۲۴ مهر ماه ۱۳۹۷

پیام کنگره سراسری "فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل"

امروز جمعه ۲۷ مهر ۱۳۹۷ برابر با ۱۹ اکتبر ۲۰۱۸ قطعنامه ای اضطراری را مورد تصویب قرار داد که بر مبنای آن کارزاری سراسری تصویب شده است که تمامی تشکلات کارگری وابسته به آی تی اف در سراسر جهان به دولت ایران جهت رعایت حقوق کارگران فشار بیاورند. در این قطعنامه بطور مشخص از دور جدید اعتراضات و اعتصابات رانندگان کامیون حمایت شده و بازداشت بیش از ۲۰۰ نفر از اعتصابیون به شدت و قاطعانه محکوم شده است. قطعنامه همچنین اعلام کرده است که کنگره آی تی اف تهدیدات مقامات قضایی جمهوری اسلامی ایران علیه رانندگان بازداشت شده مبنی بر اشد مجازات از جمله اعدام را به شدت محکوم میکند و از دولت ایران می خواهد که رانندگان کامیون و کامیونداران بازداشتی را فوراً آزاد کند و اقدامات خود جهت ایجاد ترس و وحشت علیه کارگران را متوقف نماید.

کنگره همچنین از "سازمان جهانی کار" درخواست کرده است که فوراً مداخله کرده و از دولت ایران بخواهد که هرگونه دادگاهی علیه بازداشت شدگان را متوقف کرده، کارگران بازداشتی را آزاد کند و حق تشکلات مستقل کارگری برای دستیابی به حقوق اتحادیه ای کارگری و ایجاد تشکلات مستقل کارگری را رعایت نماید. قطعنامه همچنین به اعتراضات تائکونی فدراسیون های جهانی کارگری علیه نقض حقوق کارگری و انسانی توسط دولت ایران اشاره میکند و وظایف دولت ایران به عنوان عضو سازمان جهانی کار پیرامون رعایت حقوق انسانی و کارگری را تاکید میکند و از دولت ایران انتظار پاسخ دارد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در پیام خود به کنگره آی تی اف در تاریخ ۲۱ مهر ۱۳۹۷ و در بیانیه های جداگانه ای در مورد وضعیت بشدت نگران کننده رانندگان بازداشتی و تهدیدات مقامات حکومتی تاکید ویژه کرده بود و در این مدت پیگیر تصویب قطعنامه

اضطراری در این مورد بود. سندیکا حمایت از این قطعنامه اضطراری توسط بیش از ۲۰۰۰ نماینده کارگری از ۱۴۰ کشور جهان به نمایندگی از ۱۹ میلیون کارگر حمل و نقل را بسیار حائز اهمیت دانسته و ضمن حمایت قاطع از این قطعنامه از همکاران خود در سراسر جهان نهایت قدردانی را دارد.

زنده باد همبستگی جهانی طبقه کارگر

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۲۷ مهر ۱۳۹۷، برابر با ۱۹ اکتبر ۲۰۱۸

منشور حقوق سندیکایی کارگری

کارگران حق دارند سندیکا‌های کارگری تشکیل دهند، به سندیکا‌های موجود بپیوندند و بی آنکه اجازه یا نظارت مقامات دولتی یا کارفرمایان لازم باشد، در هر فعالیت سندیکایی شرکت کنند.

کارگران حق دارند در محل کار خود یا در هر جای دیگر گرد هم آیند، به مذاکره بنشینند و عقاید خود را در خصوص تمام مسائلی که به آنان مربوط است، آزادانه ابراز دارند.

کارگران حق دارند، نشریات مورد نظر خود را بخوانند، نشریه‌های سندیکایی و کارگری را پخش کنند و به تبلیغ برای سندیکاها بپردازند.

از خواسته های آموزگاران حمایت می کنیم!

در پی اعتراضات آموزگاران در سراسر کشور برای خواسته های زیر:

- ۱- اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری مصوبه سال ۱۳۸۶ و برون رفت از خط فقر مطلق با دریافت حقوق شش میلیون تومان برای یک خانواده چهار نفره، با تاکید بر افزایش سالانه حقوق ها همپای نرخ تورم واقعی. ۲- درمان رایگان و بیمه ای کارآمد به جای بیمه تکمیلی برای شاغلان و بازنشستگان.
- ۳- شفاف سازی وضعیت صندوق های بازنشستگی و برگرداندن سرمایه های اختلاس شده به صندوق ها. همچنین برای نظارت بر صندوق ها ضرورت دارد تا نمایندگان واقعی مزدبگیران شاغل و بازنشسته انتخاب شوند. ۴- ایجاد امنیت شغلی برای شاغلان از طریق لغو قراردادهای موقت و وجود استخدام رسمی. ۵- حق آموزش رایگان برای همه کودکان و همچنین کودکان مهاجر و لغو خصوصی سازی مدارس. ۶- حق ایجاد و به رسمیت شناخته شدن هرگونه تشکل مستقل، تجمع، تحصن و اعتصاب، فارغ از شرایط امنیتی. ۷- آزادی بدون قید و شرط معلمان زندانی

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران همراه با این آموزگاران به همه اعضا و دوستداران سندیکا توصیه می کند با تمام قوا و امکانات خود از این اعتصاب حمایت مادی و معنوی کنند.

دروود بر آموزگاران میهنمان

گسترده تر باد همبستگی رزمجویانه آموزگاران و کارگران

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۲۱ مهرماه ۱۳۹۷

داد از این بیداد!



منوچهر سراج کوشنده کارگری و عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران که در آذر ماه سال ۹۶ دستگیر شده و در بند ۲۰۹ اوین یکماه را در انفرادی گذراند، با وثیقه ۳۰۰ میلیونی آزاد شده بود طی حکمی امروز توسط قاضی محمد مقیسی به یکسال زندان محکوم شد.

فعالیت های کارگری، زیست محیطی، و دهقانی او خشم بسیاری از سودجویان را برانگیخته است.

ما ضمن پشتیبانی از این رفیق سندیکایی خود حکم یک سال زندان برای انسان شریفی چون او را محکوم می کنیم.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۱۴ مهرماه ۱۳۹۷

خشونت محکوم است!

حمله تروریستی به رژه نیروهای نظامی که باعث کشته شدن ۲۵ تن و زخمی شدن ۶۰ نفر از هموطنان خوزستانی گردید است جز دامن زدن به جو ارباب و خشونت نتیجه دیگری در پی نخواهد داشت.

آزادی و عدالت با کشتن انسانهای بی دفاع محقق نمی شود . بی تردید مردم خوزستان با مشکلات عدیده ای همچون آلوده گی هوا، بی آبی، بسته شدن صنایع ، بیکاری و فقر دست به گریبان هستند اما هرگز خشونت را چاره کار نمی دانند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران کشته شدن هموطنانمان را به خانواده های آنان تسلیت گفته و همدردی خود را با این عزیزان اعلام می کند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۳۱ شهریور

کارگاه آدمیست این زمین.

همو برادر تو، مادر تو، یاور توست،

سرای آشنای گرم مهرپرور توست.

بر این زمین عبث مرو!

بیافرین، بیافرین!!.

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



درخواست های کنشگران ذوب آهنی ارسالی به پیام سندیکا



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

۱- ما کارگران مشمولین صندوق بازنشستگی فولاد هستیم و با اینکه بارها به مسوولین گفته شده است که تجدید نظری در نحوه محاسبه سنوات مشاغل سخت و زیان آور داشته باشند اما ترتیب اثری داده نشده است. خدا را خوش نمی آید که سنوات کارگران سخت و زیان آور مانند دیگر کارگران محاسبه شود.

۲- از مدیریت خواسته ایم نسبت به عدم سرویس دهی استخر نشاط بروجن اقدام کند.

۳- متأسفانه سالن بدنسازی به کارکنان ذوب آهن امکانات نمی دهد

۴- بارها خواستار مشاهده سوابق آموزشی از طریق پورتال شده ایم اما هنوز ترتیب اثر داده نشده است

۵- از طرف کارگران مدیریت کک و مواد شیمیایی به مدیریت اعلام شده است که رختکن شماره یک این مجموعه در حد شخصیت کارگران نیست و بسیار فرسوده گشته است برای بهسازی و نوسازی آن اقدام کنند.

۶- برای چندمین بار به مدیریت اعلام کرده ایم یک دکتر معتمد دندانپزشک برای بیمارستان مطهری می خواهیم.

۷- با تلاش کنشگران ذوب آهنی و موافقت مدیر عامل ذوب آهن مبلغ ۱/۵ میلیون تومان به عنوان کمک هزینه لوازم التحریر در تعاون کارت کارگران ذوب آهن ریخته شد.

۸- کیفیت غذای رستوران ها بسیار بد است و به مدیریت اطلاع داده شده است که می باید هزینه بیشتری نسبت به تهیه غذای با کیفیت اختصاص دهد.

۹- در قسمت بهره برداری کارکنان خواستار توزیع لباس کار مهندسی هستند

۱۰- معاون نیروی انسانی فولاد و ذوب آهن موافقت نمودند در مورد طرح طبقه بندی مشاغل، صندوق بازنشستگی فولاد با هم همکاری داشته باشند.

امید که این همکاری به ضرر کارگران نباشد

۱۱- سهمیه شیر کارکنان بیمارستان مطهری قطع شده است و این حق همه پرسنل بیمارستان است که از دریافت شیر بهره مند باشند.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ایران خودرو



۱- شرکت با حذف پیمانکار و نیروهای آن بدون اخراج کارگران اصلی خود بدون شکایت کاهش نیرو داده و فقط از روی اجبار بعضی از نیروهای تخصصی خود را نگه داشته است. افت ۳۰ درصدی تولید شایعه افت بیشتر در آبن ماه را میان کارگران قوت داده است.

آخرین خودروهای تولید شده با رفتاری سیاست مدارانه بدون قطعاتی معمولی مثل چراغ یا سپر تولید شده تا از این طریق در هنگام بازدید و نظارت ارگانها دم از نبود قطعات زده و به همین بهانه خودروها را تحویل ندهند. تا به این وسیله خودروها را به قیمت روز بفروشند.

۲- کارگران در خطوط تولید با سرعت پایین و کاهش اضافه کاری مشغول به کارند. به طور مثال روز پنجشنبه که همیشه کارگران سه نوبت کاری فعال بودند در چندماه گذشته بصورت یک شیفت کار می کنند. اضافه کاری بخش های بخش های اداری که روزانه حداقل دو ساعت بود قطع گردیده است.

کارگران و کارکنان پس از ۸ ساعت کاری شرکت را ترک می کنند و یا در روزهای تعطیل رسمی به هیچ عنوان خطوط فعال نبوده و شرکت مثل گذشته رونق ندارد. در سال ۹۶ روزهای آخر سال جمعه ها هم سه شیفت فعالیت داشتند که با این شرایط از این اضافه کاری ها خبری نیست. که بی تردید روی دریافتی کارگران اثرات خود را می گذارد.

۳- سیاست شرکت ایران خودرو قبل از تحریم ها حذف پیمانکاران نیروی انسانی و جذب کارگرانش بوده تا از این طریق بدون کم و یا زیاد شدن کارگران و کارکنانش، در کاهش آمار بیکاری در اعداد و ارقام کمک کند. ولی در ۴ ماهه اخیر نه تنها پیمانکاران متفرقه را جذب کرده بلکه به صورت انقباضی سیاست های کاهش نفرات و دستمزد را در پیش گرفته است.

برای حفظ آرامش برای پایین آمدن آمار تولید و خراب نشدن وجهه شرکت، اکثریت سالن های تولید را از سه نوبت کاری به دو نوبت تغییر شیفت داده است. بعضی خطوط مثل خط تولید ماشین های پژو ۲۰۰۸ و ۵۰۸ که به تازه گی و کمتر از دو سال از فعالیت نصفه و نیمه آنها می گذرد به علت عدم همکاری فرانسه متوقف شده و پارکینگ ارسال به شهرستانها مثل قبل رونق نداشته و خالی می باشد. در پارکینگ صادرات که محصولات با کیفیت تر مثل رنو کپچر و انواع پژوهای سری جدید در آن قرار داشت با محصولات معمولی مثل ناپلاس و... پر شده است.

همه آنانی که در این روزها و ماههای دشوار بحران اقتصادی و سقوط قدرت خرید کارگران از ترمیم مزد دم می زنند و خودشان را نمایندگان کارگران و تشکل های شان را تشکل صنفی کارگری معرفی می کنند، باید بگویند اگر دولت و کارفرمایان از اجابت این خواسته های مشروع سرباز زدند، چه خواهند کرد؟ به چه علت در قبال این اقدام یعنی توسل به حق اعتصاب، سکوت اختیار کرده و لب فرومی بندند؟!

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شلوغی شعبه های تامین اجتماعی

با توجه به افزایش نرخ ارز طی ۴ ماه گذشته و بالا رفتن مواد مصرفی کارخان ها و سود ده نبودن تولید، اکثر کارخانه های زیر ۲۰۰ کارگر اقدام به اخراج کارگران خود و معرفی آنان به بیمه بیکاری نموده اند. اکثر مراجعه کنندگان به شعبه های تامین اجتماعی کارگران اخراجی هستند که برای دریافت بیمه بیکاری به شعبه های تامین اجتماعی برای پر کردن فرم بیمه بیکاری مراجعه می کنند.

این سیل بیکاران به بیمه بیکاری، سازمان تامین اجتماعی را با مشکل دریافتی حق بیمه روبرو خواهد کرد و توازون دریافتی با پرداختی ورشکستگی را برای این سازمان به ارمغان خواهد آورد.

کارشناسان سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران، ورشکستگی سازمان تامین اجتماعی با این روند را در ۳ سال پیش رو پیش بینی می کنند. این مشکل که به همراه حقوق های نجومی و حیف و میل های مدیران بی لیاقت و غیر حرفه ای و دست اندازی های دولت به سرمایه شستا و خود سازمان می باشد تشدید خواهد شد

دلیل ورشکستگی تامین اجتماعی

در حال حاضر "دولت و کارفرمایان خصوصی به سازمان تأمین اجتماعی به ترتیب ۱۳۰ و ۱۵ هزار میلیارد تومان بدهکاری دارند" این درحالی است که کارگران تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی هر ماهه حق بیمه خود را بطور مرتب پرداخت می کنند.

گزارش کارگران پروژه ای به پیام سندیکا

متأسفانه کارکنان پیمانکاری و قراردادی صنعت حفاری از حق بدی آب و هوا محرومند؛ این درحالیست که کارمندان دولت و ستادی‌ها در استان خوزستان این حق را دریافت می‌کنند.

براساس یکی از بندهای ماده ۱۱۲ قانون برنامه ششم توسعه، حق بدی آب و هوا برای کارمندان دولت در خوزستان ۲۰ تا ۲۵ درصد افزایش می‌یابد؛ این مولفه حقوقی در حال حاضر، ۷ تا ۹ درصد است.

این افزایش حق بدی آب و هوا درحالی انجام می‌شود که کارگران پیمانکاری و قراردادی صنعت حفاری که طرف قرارداد با شرکت‌های خصوصی و دولتی هستند، از حق بدی آب و هوا محرومند و چنین مزایایی به آن‌ها تعلق نمی‌گیرد.

تبعیض فقط محدود به این قبیل مزایای مزدی نیست. طبق بخشنامه‌های استانداری خوزستان بارها بعلت بدی آب و هوا، پرسنل اداری و ستادی تعطیل شده یا ساعات کاری آن‌ها کاهش داده شده است؛ اما عملیاتی‌ها و کارگران پیمانکاری و قراردادی حفاری در مناطق عملیاتی از این مزیت نیز محرومند.

کارگران پیمانکاری و قراردادی حفاری که با سخت‌ترین شرایط و با دستمزدهای بعضاً حداقلی مشغول به کار هستند، بارها درخواست کرده‌اند که تبعیض شغلی در این خصوص از بین برود؛ که البته مهم‌ترین قدم برای رفع تبعیض، ساماندهی قرارداد موقتی‌ها و حذف سلسله مراتب پیمانکاران است.

ما از گروه پاییینگ و اکپ پروژه ای ها و سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران می خواهیم دادرس ما باشند

یاسر کارگر پروژه ای

گزارش رسیده از یک کارگر پروژه ای

من تو این دو ماه گذشته یه جایی کار میکردم توی تهران به نام شرکت ایران مال که میگن این پروژه سیصد میلیارد دلار توش خرج شده. ایران مال متعلق به شخصی هست به نام انصاری که من خودم قیافه انصاری رو دیدم اومده بود بازدید، اصلن دو ریال نمی ارزید. با یه هیاتی اومده بود بازدید. یه آب معدنی گرفته بود دستش مثل اینایی که میرن سر قرار دوست دخترشون را ببینند.

اینهمه خرج این پروژه شده ولی در اتاق های کارگیش سی نفری زندگی می کنند. تازه سرپرست خوابگاه گفته بود که اتاقها باید چهل نفری بشوند. حقوق کجا مزایا کجا. اصلن از بیمه خبری نیست.

تو این پروژه یه مشت کارگر درمانده ایرانی و افغانی کار می کنن که نه از مزایا خبر دارن نه از سنوات و مرخصی. وضعیت کمپ کارگران بسیار ناجور و افتضاحه.

تو اینجا میشه فقر و ثروت رو با هم دید. واحدهایی که بیشتر از ۳ میلیارد قیمت شونه و کارگری که شب باید سر گرسنه زمین بذاره.

پروژه ایرانمال که مال انصاری هاست امکانات خوابگاه و بیمه و خیلی چیزاش در حد صفره. جونشون در میاد به کارگر دستمزد واقعی و رو بدن. اما خبر داریم که امسال همه خانواده اش رفتن سفر آلمان و دو میلیون دلار خرج کردن. خب معلومه با پول ماها رفتن سفر. بعد اینجا کارگر باید ۵ ماه حقوق نگیره و شب عید با سه ماه طلبکاری و با روی شرمنده بره خونه اش.

جعفریان کارگر پروژه ای در ایران مال

پیام رسیده از کارگران پروژه ای کیسون



۱- با سلام خدمت دوستان هنوز که هنوزه شرکت کیسون در پروژه مخازن سبز عسلویه حقوق کارگانش را از ۱۵ اردیبهشت تاکنون نداده است. حتی درخواست برای مساعده به کارگران را هم با بی اعتنایی برخورد می کنند. کارگاه متروکه شده و هر وقت میری برای حقوق درخواست میدی می گویند رییس پروژه یا رییس کارگاه نیست. در صورتی که رییس پروژه گاهی اوقات دوشنبه ها در پروژه هست. همش بهونه می آورند که این دونفر نیستن وگرنه حقوق شما پرداخت خواهد شد. کارگانش هم تعداد کمی هستند و اعتصاب هم نمی کنند. البته در صورت اعتصاب به یک بهونه تسویه کارگران را می دهند حالا بدو دنبال پولت.

لطفن مدیران گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها و سندیکای کارگران فلزکارمکانیک این مشکلات ما را پوشش خبری بدهند

عباس کارگر پروژه ای

با تشکر

۲- پروژه مخازن سبز به سمت سایت یک بوشهر که متعلق به شرکت کیسون بوده درحال حاضر ۲۰۰ کارگر در آن کار می کنند. این شرکت و پیمانکارانش هیچگاه حقوق کامل به کارگری نمی دهند تا معلوم نشود چقدر با او می خواهند حساب کنند. کارگری که قرارداد بسته است نمی داند که روز آخر آیا حقوقش را درست خواهد گرفت یا اینکه از سر و تهش خواهند زد و با مساعده دادن های این سردرگمی را بیشتر می کنند. از اسفند سال گذشته تاکنون حقوق کارگران بطور کامل پرداخت نشده است.

قراردادها را امسال سه ماه به سه ماه تمدید می کنند. عیدی و پاداش و سنوات را هم طبق قانون پرداخت نمی کنند. و برای هفت ماه کارکرد عیدی کمتر از نصف داده شده است. غذایش اقتضاح و خوابگاه هایش امکانات ندارد. قراردادی که باید در خرداد بسته می شد را با کارگران در آخر شهریور بستند که کسی نتواند اعتراض کند و کار از کار گذشته باشد. آخرین قرارداد را هم ۱۲ مهر بستند که تا ۳۰ آبان را میپوشاند. واعلام کردند که این آخرین قرارداد است و شرکت تعطیل خواهد شد.

پیام سندیکا: شرکت کیسون از شرکت های بدحسابی است که تحت تحریم کارگری قرار دارد.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت صنعت عمران

شرکت عمران صنعت که در فاز ۱۳ مشغول به کار است از شرکت هایی است که باید نام تبهکار را روی آن گذاشت. این شرکت به مدیرعاملی مهندس معقولی و رییس کارگاهی عباسعلی مرشیدی یکتا با عنوان اینکه که شرکتشان دولتی هست و ۲۲ روز کار و ۸ روز مرخصی، کارگران را فریب میدهد.

کارگر بنده خدا از شهرستان با کرایه و هزینه خود را به پروژه رسانده وقتی که وارد شرکت می شود ازش کارت سلامت و سوپیشینه و عدم اعتیاد را می خواهند و حتا جای خواب هم به کارگری که از شهرستان آمده نمی دهند.

کارگر بیچاره مجبور است این مدارک را در کنگان انجام بدهد، یعنی یک هفته آوارگی در کنگان. همه ی اینها را هم که انجام بدهد بعد ۲ روز کارهای استخدامش طول خواهد کشید و هیچ حضوری هم نمی خورد تا زمانی که وارد سایت شود. تا این لحظه کارگر ۲ میلیون هزینه کرده و به امید اینکه شرکت دولتی است و زیرمجموعه خاتم الانبیا سپاه و با کارکردش تلافی این هزینه ها درخواهد آمد.

بعد از گذشت ۲۰ روز کارگر را احضار کرده به امور اداری می فرستند برای تنظیم قرارداد. در اینجا دیگر از تعهدی که به کارگر داده بودند اصلن خبری نیست و پایه حقوقی که به او گفته شده بود ۵۰۰ هزار کمتر هست. حتا بن کارگری و بن مسکن و حق واولاد هم داخل همان پایه هست. خیلی از کارگران فریب خورده و تسلیم می شوند و شروع به کار می کنند. چون هزینه زیادی کرده اند.

وقتی که کارگری تسلیم این فریب نشود و تقاضای حقوقش را کند به او گفته می شود: «هیچی نگو الان با یه زنگ میزاریمت پشت در و تو منطقه پارس جنوبی بلاک لیستت می کنیم» و حتا پول کرایه ای هم به کارگر نمی پردازند.

استادکارانی که تسلیم می شوند و می مانند، باید تحقیر شوند و حتا جارو هم باید بزنند. مثلن به نصابی گفتند باید جارو بزنی. در صورتی که نیروهای خدماتی بیکار نشسته بودند. نصاب قبول نکرد و هرچه گفت: «من جارو نمی زنم هرکمی دیگه ای خواستین انجام میدم بجز جارو» گفتند: «اینجا همه ی استادکارها باید هرکاری بکنند حتا جارو.» با وجود اینکه نیروهای خدماتی بیشتر از استادکارها هستند ولی هدفشان تحقیر نیروهای پروژه ای هست.

این نصاب ۱۳ روز استخدام شده بود و نزدیک به ۲ میلیون هزینه استخدامش شده بود ولی جaro نزد و اخراجش کردند. وقتی برای تسویه حساب رفت، به ایشان گفته شد: «زیر ۱۵ روز حقوق بهت تعلق نمی گیره» و گفت اداره کارشکایت میکنم. مسوول اداری گفت: «برو ولی توپارس جنوبی بلاک لیست می کنیم»

کارگرانی که تازه استخدام میشوند تا ۴ ماه حقوق ندارند. وقتی حقوق را میدهند نصفه میدهند و می گویند تا ۳ ماه دریافتی اول معوقه هست و با حقوق چهارم معوقه هایت را میدهیم یعنی کسی کهخرداد ماه استخدام شده نصف حقوقش را می دهند.

با کارگران مثل یک برده رفتاری شود و کارگرانی که تصفیه می کنند اگرکوچکترین حرفی بزنند از سوی مسئولین بی احترامی و حتا با کارگر هم درگیر می شوند چون نظامی هستند.

وضعیت خوابگاهها در هر اتاقی ۱۰ نفر با هم زندگی می کنند و از لحاظ بهداشتی بعضی موقع ها ۱۰ روزمایع دستشویی در سرویس های بهداشتی پیدا نمی شود. اتاقها را سمپاشی نمیکنند و پر از ساس هست.

ازلحاظ غذا که با بدترین شکل به کارگر می دهند. نزدیک ۲ ماه است که نوشیدنی به کارگر نداده اند. ظهر یه برنج خشک با یه تیکه گوشت بدون رب یا سس. نه نوشیدنی و نه حتا یه ماست هم نمی دهند. شام طوری است که کارگران از بوفه ماست و سیب زمینی می خرنند می خورند.

از مدیریت گروه پایینگ و اکیپ پروژه ای ها و سندیکای کارگران فلزکارمکانیک می خواهیم این وضعیت را افشا کند تا کارگران را اینقدر تحقیر نکنند و خجالت ندهند.

عدالت جباری کارگر پروژه ای

گزارشی از آغاز به کار مجدد شرکت داروسازی نوین کاوش مامطیر (نوکام ساوه)

شرکت داروسازی نوکام بعد از ۲ سال تعطیلی با مدیریت صاحبان جدید مجددن با ۹ پرسنل در بدو کار شروع به کار کرد. بر طبق اطلاعات بدست آمده از بهمن ماه سال ۹۷ با تکمیل پرسنل به صورت تمام وقت به تولید ادامه خواهد داد.

اما علت ۲ سال تعطیلی چه بوده است ؟

علت اصلی اختلاف بین شرکاء بوده که نسبت فامیلی به هم داشتند و هیچ یک حاضر به تحمل دیگری از آن به بعد نبودند.

علت بعدی انتخاب مدیران نالایق و مشاوران بی لیاقت بود که با اتخاذ تصمیمات نادرست در شرایط بحرانی کارخانه را دچار بحران بیشتر نمودند.

این شرکت با ۶۰ پرسنل دلسوز کارگری و مدیران میانی کارآمد به دلایل بالا به مدت ۲ سال تعطیل گشت. در هنگام تعطیل شدن حق و حقوق کارگران پرداخت نشد و مبلغ بدهکاری به پرسنل حدود ۶۰۰ میلیون بوده است.

با مبارزه و تلاش و پی گیری پرسنل سرانجام پرسنل توانستند حق و حقوق خود را بگیرند به جز کارگرانی که داوطلبانه به سرکار برگشتند و چند نفری که دیر به اداره کار شکایت کردند که البته آنها نیز با تعهدی که صاحبان جدید به دادگاه داده اند بزودی به حق و حقوقشان می رسند.

چگونگی دستیابی به این حق و حقوق تجربه ای است که باید به دیگر کارگران که مشابه همین مشکل را دارند باید انتقال داده شود .

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شهرک صنعتی ویان

با توجه به شرایط بحرانی اخیر در اغلب کارخانه های مشغول به کار در شهرک صنعتی ویان (از تعداد ۱۰۹ واحد ، اکنون کمتر از ۱۹ واحد تولید دارند) ، نوعن مشاهده گردید که کارفرمایان پس از اتمام قرارداد کاری با کارگران که اغلب در ابتدای مهرماه به اتمام رسیده است یا قرارداد منعقد نکرده اند و یا طرح مرخصی اجباری ، تعدیل نیرو ، به کارگیری نیروی کارورز و... تمایلی به ادامه تولید ندارند

لذا نمایندگان کارگری سندیکا با مهندس مهرجو از کارشناسان اداره ی کل کار جلسه ایی برگزار کرده که منتج به این نتیجه شد که ایشان گزارشی از وضعیت فعلی تهیه کرده و به صورت مستقل و نه دوره ایی به معاونت اقتصادی استانداری و دیگر ارگان ها ارسال نماید بلکه کارسازی صورت گیرد.

وضعیت فعلی بسیار اسف بار است. در اغلب کارخانه ها حقوق کارگران از یک ماه و نیم تا دو ماه و نیم با تاخیر پرداخت می شود و این موضوع تاثیر زیادی هم بر اقتصاد خانواده های کارگری و نیز روح و روان آن ها گذاشته است. این که چه باید کرد پرسش همه ی کارگران است

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران معتقد است :

مقابله با سیاست های ویرانگر و ضدکارگری صرفاً با مبارزه یی متحد کارگران در سندیکاهای کارگری و در راستای تأمین نیازهای بی درنگ زحمتکشان و به ضد سیاست آزادسازی اقتصادی ممکن خواهد شد. سازمان دهی چنین مبارزه یی، فقط با متحد شدن در سندیکاهای کارگری و ایجاد سندیکا در کارگاهها و کارخانه ها ممکن خواهد بود

جولانِ شرکت های شبه دولتی در پروژه های مجتمع مس سرچشمه

بنا به گزارش دریافتی از گزارشگر پیام سندیکا از مجتمع مس سرچشمه، آخرین کارفرمای این مجتمع جهت انجام پروژه های توسعه، تمایل بیش تری به بُرون سپاری پروژه ها به شرکت های شبه دولتی دارد. پس از خاتمه ی فعالیت پیمانکارانی هم چون مشارکت سبافام، تناوب، فکور صنعت و ... در واحد های فلش، تغلیظ، مولیبدن و ... ظاهرن کارفرمای اصلی تمایل بیش تری به سپردن پروژه ها به پیمانکاران شبه دولتی با محوریت سازمان صنایع دفاع دارد؛ مجموعه ی شرکت هایی مثل فناوران پارسیان، رامپکو سهم عمده ای در پروژه های جدید مجتمع داشته اند.

قابل توجه است که با خاتمه یافتن برخی از طرح های توسعه نظیر فلش، تغلیظ و مولیبدن، بیش از ۱۵۰۰ نفر نیروی کار تسویه شده اند و ظاهرن هیچ طرح و برنامه ای برای جذب این نیرو ها در بخش خصوصی پیمانکاری وجود ندارد؛ چه بسا کارفرما در شرایط فعلی مشکلات فروش مس و نقل و انتقال وجه، ترجیح می دهد بدون توجه به پتانسیل های جذب نیروی انسانی- با مصرف کنندگان مس در بخش های دولتی دست به مراده بزند.

باید اشاره داشت که حجم پروژه های جدید با پروژه های خاتمه یافته ی قدیمی قابل مقایسه نیست و شمار متعددی از نیروی کار در منطقه، بدون وجود فرصت شغلی رها شده اند.

گزارشگر پیام سندیکا-مجتمع مس سرچشمه

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از کارخانه عالی نسب



کارخانه عالی نسب واقع در صفا دشت کرج از دوشنبه ۱۶ مهرماه، کلیه ۴۰ کارگر خود را به مرخصی اجباری فرستاد. این کارخانه که در ۴ سال گذشته با ۶۴۰ کارگر فعالیت صنعتی داشت در طی این چهار سال با اخراج کارگران و بازنشستگی زودتر از موعد ۶۰۰ کارگر را از خط تولید کنار گذاشته است.

در حال حاضر به دلیل نبودن شیر و ورق های مورد نیاز، فعالیت کارخانه به حالت تعطیل در آمده است. همچنین افزایش قیمت مواد مصرفی باعث گران تر شدن محصولات این کارخانه شده و از صادرات محصولات این کارخانه به خارج از کشور به دلیل به صرفه نبودن هم خبری نیست.

کارگران اعتقاد دارند که تا آخر مهرماه این کارخانه تعطیل کامل خواهد شد.

تنها چاره کارگران پیوستن به سندیکاهای کارگری موجد و یا ایجاد سندیکا در واحدهای تولیدی است تا بتوانند از حقوق خود دفاع موثر بکنند

اخبار کارگری شرکت واحد به نقل از کاتال تلگرامی سندیکای واحد



رضا شهابی در بیمارستان بستری شد!



رضا شهابی عضو سندیکای کارگران شرکت واحد به دلیل عارضه های جسمی بی حسی سمت چپ بدن، دو بینی چشم چپ، ریزش بی اختیار آب از چشم چپ و سر دردهای پی در پی جهت انجام آزمایشات تشخیصی ظهر امروز ۲۴ مهر برای ۴۸ ساعت در بخش جراحی اعصاب بیمارستان بوعلی سینا شهر ساری بستری شد.

رضا شهابی به دلیل فعالیت سندیکایی و دفاع از حقوق کارگران محکوم به شش سال حبس شده بود و در روز ۲۲ اسفند ماه سال ۹۶ از زندان آزاد شد. ایشان به دلیل ضرب و شتم ماموران امنیتی در هنگام بازداشت وی در سال ۸۹ و خشونت در هنگام بازجویی بشدت دچار عارضه جسمی شد. و در دوران گذراندن زندان دو بار از ناحیه گردن و ستون فقرات مورد عمل جراحی قرار گرفت.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه برای ایشان آرزوی بهبودی دارد.

۱- به دلیل ناکارآمدی مدیریت شرکت واحد اتوبوسرانی بطور میانگین روزانه ده دستگاه از ون های سامانه جانبازان و معلولین به دلیل خرابی متوقف است. این سامانه وظیفه ارائه سرویس به جانبازان و معلولین را دارد. اما به دلیل توقف دائمی میانگین ده دستگاه خودرو ون به علت خرابی به دلیل کمبود ماشین درخواست های جانبازان و معلولین برای دریافت خدمت کنسل می شود.

ناکارآمدی مدیریت در تامین قطعات یدکی و لاستیک اتوبوس همین وضعیت را در سامانه های دیگر شرکت واحد اتوبوسرانی تهران بوجود آورده و روزانه بیش از پنجاه دستگاه در هر یک از سامانه های شرکت واحد متوقف است. و دیگر رانندگان با اتوبوس کمتر در خطوط باید برای جبران کمبود اتوبوس فعالیت بیش از استاندارد انجام دهند. همچنین شهروندان نیز به دلیل شدت تراکم مسافر در اتوبوس ها سختی فراوانی را تحمل می کنند.

۲- ظهر امروز علیرضا محبوب نماینده مجلس و افشین حبیب زاده نماینده شورای شهر تهران به همراه جمعی از اعضای خانه کارگر ابتدا به سامانه سه شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و سپس به دفتر مدیر عامل در ساختمان مرکزی که مجاور این سامانه است رفتند. از مدت زمان حضور آنها در بخش کارگاهی که حدود نیم ساعت بوده و تصویر حضورشان در اتاق کنفرانس همچنین همراه هاتشان از خانه کارگر کاملاً پیداست که از سمت نمایندگی شان در مجلس و شورای شهر با حضور در شرکت واحد فقط قصد تبلیغ و ترویج نهاد ضد کارگری "خانه کارگر" را داشتند. و هیچ هدف مشخصی در بررسی مشکلات کارگران و حتی شرکت واحد را دنبال نمی کردند.

با این وجود مدیریت به شدت مراقبت می کرد که کارگران معترض با آنها دیدار نداشته باشند. و از حضور رانندگان در آن ساعت در سامانه سه بصورت سازمان یافته جلوگیری می شد. اما خانم نرگس منصوری که کارگر شاغل در سامانه سه است در فرصتی مناسب خود را به علیرضا محبوب رساند و نسبت به معوقات مطالبات کارگران همچنین برگزاری انتخابات شورای اسلامی کار فرمایشی و عملکرد شورا که در جهت حمایت از

مدیریت شرکت واحد است و نه کارگران، اعتراض کرد که با دخالت مدیریت شرکت واحد صحبت های این کارگر ناتمام ماند.

۳- با گذشت یکماه از شروع سال تحصیلی بن خرید لوازم التحریر کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران هنوز پرداخت نشده است. همچنین کارت هدیه فرزندان دانش آموز ممتاز کارگران شرکت واحد در سال ۹۶ نیز داده نشده است. بن خرید لوازم التحریر برای فرزندان کارگران همچنین هدیه فرزندان دانش آموز ممتاز کارگران شرکت واحد جزء مزایای مستمر برای کارگران شرکت واحد است که پس از اعتراضات و اعتصاب کارگران شرکت واحد در سال ۸۴ که با محوریت سندیکا صورت گرفت، به همراه بسیاری دیگر از مزایا نظیر سفرهای سیاحتی و زیارتی، لباس فرم رانندگان، انواع مزایا برای ترمیم حقوق و ... به کارگران داده شد.

۴- علی رغم اینکه مطالبات کارگران شرکت واحد در برخی موارد معوق شده است چندی پیش مدیریت شرکت واحد با انتشار تکیذیه ای در خبرگزاری برنا منکر مطالبات معوق شده کارگران شرکت واحد شد. سندیکا به مدیریت شرکت واحد اتوبوسرانی و دیگر نهادهای مرتبط در مورد عدم پرداخت مطالبات کارگران هشدار می دهد و اعلام می داریم قطعاً با ادامه این روند اعتراضات کارگران با محوریت سندیکا با شیوه های مختلف گسترش خواهد یافت که مقصر اصلی آن مدیریت شرکت واحد خواهد بود.

سندیکا سنگر زحمتکشان!

گام نخست برای تأمین خواست ترمیم و افزایش مزد در اوضاع کنونی، مبارزه همه جانبه و خستگی ناپذیر با استفاده از همه گونه امکانات و روزنه ها برای احیای حقوق سندیکایی است. در صورت فعالیت و مبارزه سندیکاهای واقعی می توان نیروی اجتماعی مؤثر زحمتکشان را به شکل سازمان یافته و متحد برای تحقق این خواست و دیگر خواسته های به حق به میدان کشانیده، و سرمایه داران حاکم را به چالش طلبید.

برای فرشید هکی، جان شیفته انسانیت!

بدرود رفیق، بدرود!



بدرود رفیق کارگران، بدرود

بدرود نگران کودکان کار، بدرود

بدرود دغدغه مند جنین فروشی، بدرود

بدرود فعال برای شفاف سازی در همه نهادهای حاکمیتی و طراح ساختمان
شیشه ای برای مسوولین، بدرود

بدرود مبارز بی امان رانتخواری و اختلاس، بدرود

بدرود مدافع همه کسانی که حقوق انسانی اشان لگد مال می شد و برایت فرقی
نمی کرد که آن شخص جعفر عظیم زاده، رضا شهابی، محمودبهشتی،

اسماعیل عبدی، خزعلی، طبرزدی، و یا هرکس دیگری باشد که حتا با افکارشان موافق نبودی.

بدرود فعال حقوق بشر که برای بی خانمان ها لباس گرم تهیه می کردی، بدرود!

بدرود.....

اما بدانند که تو نخواهی مرد و اتاق شیشه ای که تو برای مسوولین می خواستی توسط دستان پرتوان پیشتازان عدالت محقق خواهد شد.

تو نمرده ای و در در لحظه لحظه پیکار برای عدالت همچنان پیشتازی

**مازیار گیلانی نژاد رییس ستاد ائتلاف پیشتازان عدالت برای
انتخابات شورای شهر ۱۳۹۶ تهران**

۴ آبان ۱۳۹۷

بر این زمینِ پیر،

گورگاه و زادگاه خود،

گذار کن!

از او بخواه همتی،

که تا بر آن رونده ای،

نپیچی از سبیل مردمی، دمی.

از دستاوردهای کارگری را بیاموزیم!

چگونه از شرکت نوکام حقوق کارگران را گرفتیم:

۱- قبل از هر چیز انتخاب هدف بود که بیشترین کارگران را در برداشته باشد. ۲- انتخاب نماینده ای که بیشتر کارگران او را قبول داشته باشند و از مقبولیت مناسب برخوردار باشد. ۳- اتخاذ روش هایی که کمترین هزینه را داشته باشد. ۴- رهبری درست و تصمیم های درست در شرایطی که بوی تفرقه می آید. ۵- مشورت با سندیکای کارگران فلزکارمکانیک و کمک گرفتن از تجربیات آنها.

هدف مشخص شد : الف) گرفتن حق و حقوق کارگران. ب) تلاش در جهت راه اندازی مجدد کارخانه.

باتعین هدف بالا و مشورت با سندیکا اتخاذ روش های مناسب در دستور کار قرار گرفت. تصمیم بر این شد که از همه روشهای قانونی (شکایت به اداره کار، بردن شکایت به دادگاه انقلاب، رفتن نزد رییس دادگستری، گفتگو با کارفرما و در نهایت تجمع در جلوی درب کارخانه و حرکت به سمت اداره کار و دادگستری به صورت دسته جمعی) انجام پذیرد.

خوشبختانه یکی از نمایندگان کارگران، عضو سندیکای کارگران فلزکار مکانیک بود که این مسیر را بدرستی هدایت کرد .

کارهای انجام شده بدین شرح بوده است: ۱- شکایت به اداره کار و خواستار همه حق و حقوق خود شدن. ۲- پی گیری گرفتن بیمه بیکاری

برای آیتم اول شکایت به اداره کار برده شد و در آنجا تقاضای گرفتن تمام مطالبات عقب افتاده خود شدیم.

برای آیتم دوم نیز فرم بیمه بیکاری پر شد و مراحل پی گیری آغاز گردید. با تشکیل جلسه حل اختلاف در اداره کار رای به نفع کارگران صادر شد و

کارفرما موظف به پرداخت کلیه مطالبات شد. پی گیری بیمه بیکاری نیز انجام شد و به همه کارگران که شرایط گرفتن بیمه بیکاری بودند تعلق گرفت.

در ادامه گرفتن مطالبات حکم هیات حل اختلاف به دادگاه برده شد و در آنجا نیز حکم تایید شد و کارفرما را ملزم به پرداخت مطالبات کارگران نمود اما کارفرما از آمدن به دادگاه طفره رفت و مطالبات را نپرداخت. در این مرحله حکم توقیف اموال کارخانه در دستور کار قرار گرفت و دستگاههای مهم کارخانه توقیف و پلمپ گشت در عین حال درب ورودی کارخانه نیز پلمپ گردید تا دستگاه ها غیر پلمپ نتواند یواشکی خارج گردد.

کارگران را به ۵ گروه تقسیم کرده و هر گروه تعدادی از دستگاه ها را پلمپ نمودیم. لازم به توضیح است که در همه این مراحل از تجربیات سندیکای کارگران فلز کار و مکانیک استفاده شد.

مرحله بعدی به مزایده گذاشتن دستگاه ها از طریق شعبه اجرای احکام دادگاه بود که این عمل انجام گردید و مزایده به یک ماه دیگر زمان داده شد. پیدا نمودن مشتری در دستور کار قرار گرفت و از شهرهای مختلف با مشتریان تماس گرفته شد و از آنها دعوت شد تا از دستگاه ها در درون کارخانه بازدید نمایند. مرحله بعد قیمت گذاری دستگاه های به مزایده گذاشته شده بود که با هزینه نمودن پول کارشناسی قیمت گذاری شد.

سرانجام روز مزایده فرا رسید. مشتریان به دادگاه آمدند و کارفرما نیز برای اولین بار به دادگاه آمد و خواستار فرصت به مدت ۲ ماه شد و قول پرداخت و باز گشایی کارخانه را داد. با گفتگویی که در بین کارگران انجام شد نهایتن فرصت ۲ ماهه داده شد و کارفرما نیز در دادگاه رسمن متعهد به پرداخت مطالبات و باز گشایی کارخانه بعد ۲ ماه شد. بعد ۲ ماه سرانجام با کش وقوس های دیگر کارفرما مطالبات کارگران را پرداخت و کارخانه نیز مجدداً باز گشایی شد.

زنده با سندیکا

پاسخ به انتقادات

یک فعال سیاسی که در یک جامعه بسته امکان فعالیت سیاسی را از دست داده و با کوچک ترین اظهار عقیده ای خلاف باور حاکمیت، باید دد منشانه ترین سرکوب را تجربه کند، در جستجوی راهی برای طرح باورهای سیاسی خود به جنبش کارگری ایران روی می آورد. جایی که نعمات مادی جامعه تولید می شود ولی در توزیع آن، به دستان مولد کارگران، حداقلی می رسد که تنها زنده بمانند تا باز هم افزون تر استثمار شوند. در شرایط موجود که کارگران نسل اول بدون هیچ آموزشی وارد بازار کار می شوند، به خصوص آنهایی که با منشا روستایی - ایلیاتی که اکثریت قرارداد موقتی ها را تشکیل می دهند، با کندی و تردید با راهنمایی نسل قبلی کارگران، برای دفاع از حقوق پایمال شده ای که، مناسبات اقتصادی نولیبرالی با یک حاکمیت مستبد ضد کارگری که برخلاف همه قوانین بین المللی و حتی عرف مورد تایید خود حاکمیت، برای کارگران هیچ حق قایل نیست و حتا دستمزد کارگران را به موقع پرداخت نمی کند و در اکثر موارد به کلی از پرداخت ماه ها حقوق آنها خود داری می کند.

(در کنگان پس از بیش از پنج سال حکم قانونی دریافت حقوق از دادگاه ها در دستان کارگران است بدون وجود یک قدرت اجرایی برای دریافت آن) بدون استثنا در بهترین شرایط کار، ۶ ماه حقوق کارگر در حساب کارآفرین (بخوانید دلال مترداف با انگل اجتماعی) باقی می ماند، در حالی که پیمانکاران دست دوم و سوم سرمایه دار نولیبرالی سر هر ماه صورت وضعیت چندین میلیاردی را دریافت می کند. از سوی دیگر در حاکمیت الهی نولیبرالی، هیچ قانونی از حقوق کارگران و همه زحمتکشان شهر و روستا حمایت نمی کند. در عوض قانون به اصطلاح اساسی که در ظاهر به آنها مشروعیت می دهد جز یک اصل قانونی بقیه اصول می شوند تابعی از آن یک اصل قانونی. اصلی که یک فرد را حاکم بر جان و مال و هستی یک جامعه می کند و قانون و آزادی و داد را در نظرات و خواسته ها و دستان آن فرد قرار می دهد، چنین ساختاری یک معنا دارد و آن هم دیکتاتوری است. نه جمهوری، که در آن همه را از نظر حقوق سیاسی برابر تعریف می کند. در چنین شرایط سده های میانه ای که ضد آزادی اندیشه است، زمانی که کارگران برای دفاع از حقوق قانونی خود که حاکمیت در سطح بین المللی نمی تواند منکر آن شود، به سوی ایجاد تشکل صنفی خود سندیکا روی می آورند. پس از عبور از هفت خان سرکوب حاکمیت، پس از گذشتن از زندان رفتن ها و محرومیت های اجتماعی و چاقو کش های خیابانی، آن گاه که سندیکا لرزان پا گرفت، ترمز نو و مدرن به سویش حمله ور می شود. روشنفکر و فعال سیاسی که تصور می کند آینده دور را می بیند و بحرالعلوم زمانه است، با کلی واژه هایی که برای یک کارگر به دشواری درک می شود، هشدار می دهد سندیکا نه ؛ شورا !!! کارگر که تازه در یک مرتبه بالاتر پا گذاشته، با حیرت متوجه می شود که در جامعه هوادارانی دارد که بزعم آنها

(فعلان سیاسی) که به خوبی صغرا کبرا می کند و از یاسپرس، نیچه هایدگر و کامو کافکا و و دیگر اعجوج و معجوج های بیمار سرمایه داری در سایت های تلگرام شان تعریف می کنند، تا نشان دهند در «اتحادیه های آزاد و مستقل» آنها کارگران بهتری می توانند از حقوق شان دفاع کنند و راهی که در پیش گرفته اند استالینیسیم است که مورد تایید آنها نیست و برای اثبات این باورشان نیازی هم به دلیل و سندی ندارد و نفی سندیکا را امری بدیهی می دانند؟! به خصوص برخی از این گونه جماعت، دست دل بازند و با دستانی پُر از پول به سوی کارگران می روند!! برخی از کارگران جذب شعار های تند و تیز آنها می شوند و اتحاد سندیکا به تفرقه و انشعاب تبدیل می گردد. درست مانند سرنوشت همان گروه های سیاسی که پس از انقلاب یک روز، دوتای آنها با هم متحد می شدند. ولی دو روز بعد چهار گروه از آن اتحاد اولیه، منشعب می شدند. به جان هم می افتادند و هم دیگر را متهم می کردند، به فرصت طلب، تجدید نظر طلب و . . . البته کارگران ما را می بخشند که ما دانش آکادمیک، به کاربردن واژه های با « کلاس » غربی را نداریم. بدین گونه همه تلاش های کارگران نسل قبلی به باد فنا می رود. زمانی که آن کارگران نسل پیشین پس از ۶ یا ۵ سال زندان به جرم تلاش برای ایجاد تشکیلات صنفی از زندان بیرون می آیند، می بینند سندیکا متشکل و یک پارچه ای که با یک تلاش چند ساله پی ریزی شده بود یک بخشش حکمتیسم شده چند تایی شورایی و برخی به هژمونی طبقه کارگر برای به دست گرفتن قدرت سیاسی می اندیشیدند و تشکل سندیکایی را با تحقیر نام می برند. تنها یک بدنه زخم خورده و تکه تکه شده باقی مانده است. ولی از هر فعال سیاسی یک جای پای در آن سندیکا به جا مانده است. زمانی که به زیبایی ساده کارگری نه « روشنفکری» اعلام می کنند که ما در کلاس اول تشکل هستیم، در این مقطع هنوز خیلی از واقعیت ها را نیاموخته ایم تا به توانیم به مرتبه بالاتر برویم. آن کارگران جدا شده به شعارهای روشنفکر و فعال سیاسی که بال پرواز دارد و می خواهد کارگرانی را که با پای لرزانی به سندیکا آمده اند، از زمین خاکی به بلندای آسمانهای آرمانی خود ببرد، می اندیشیدند و با تردید منفعل می شوند. در حالی که این فعالان سیاسی حتی نمی دانند که این آرمان خواهی بدون در نظر گرفتن شرایط ذهنی و عینی جامعه، بدون دیدن وضعیت امروز اقتصادی - اجتماعی جامعه، خشت بر دریا کوبیدن است. نتیجه عملی این وضعیت را در یکی دو سندیکای مستقل که با زحمت شکل گرفتند و مبارزه کرده اند، می بینیم که دیگر آن اتحاد اولیه وجود ندارد و چند پارگی عیان است. ولی در عوض بحث سیاسی شورا و از این قبیل گفتگو ها جای ایجاد یک شورای متحده مرکزی سندیکاها را گرفته است. تجربه تاریخی دهه بیست تا سی که شورای متحده مرکزی کارگران ایران که سندیکا های همه نقاط کشور را متشکل و رهبری می کرد و با قدرت این اتحاد؛ دولت شاهنشاهی را فلج کرده بود، و آن ساختار دیکتاتوری « سایه الهی» را وادار کردند چیزی به نام قانون کار و تامین اجتماعی را پی ریزی کنند. ولی مرتضویسم ها، حکمتیسم، شوراییسم ها، این گونه عمل کرد را تایید نمی کنند و آن را راه استالینیسیم ها می دانند. « شورایی ها» می دانند که کارگران نه امکان و نه زمان دسترسی به منابعی علمی - تاریخی که تجربیات جنبش کارگری را در اختیارشان بگذارد ندارند. از سوی

دیگر شرایط کار و زندگی در چنین جامعه ی عقب رانده شده و مستبدی برای کارگران اوقات فراغتی باقی نمی گذارد که به مطالعه بپردازد و به شناخت واقعیت ها برسند لذا این گونه فعالان سیاسی به راحتی واقعیت ها را پنهان می کنند و برخی حتی خودشان هم بی خبرند که مارکس و انگلس از سندیکاهای کارگری حمایت می کردند و حزب لنینی بلشویک از اتحاد بزرگترین اتحادیه و سندیکا های کارگری روسیه تزاری به وجود آمده بود. تاریخ و تجربه گذشته مبارزات کارگران ایران در دسترس کارگران نیست و اگر از بازار سیاه بتوان منبعی گیر آورد. چپ های نو و این ایسم های وطنی به اصطلاح نو گرا، مشتی روشنفکر نیمه سیر قشر میانی جامعه، فریاد می زنند دست نزنید که دچار بیماری بی درمان، کمونیسم ارتدوکسی یا چپ سنتی می شوید. آنها نمی پذیرند که معمولن یک محقق نظرات مخالف را می خواند و مستنداتش را بررسی می کند و با سند، موارد اختلاف را نفی می کند و به هوادان یا شاگردانش می گوید این دو نظریه را بخوانید و در باره آنها اظهار عقیده کنید. ولی چپ نو و ایسم های وطنی نه خود می خوانند و نه اجازه می دهند دیگری مطالعه کند. و اگر خودشان هم بخوانند مراد گونه به مریدان بدون اندیشه شان اعلام می کنند خواندن این منابع « حرام » است شما را گمراه می کند. مجتهد گونه فتوا می دهند و فقط منع می کنند. من یافتن دلیل این عمل کردی که ازپیش از انقلاب ۲۲ بهمن در ایران رواج داشته به شما کارگران واگذار می کنم.

در هر صورت اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران به دلیل اتکا به قانون اساسی مورد نقد قرار گرفته است، که « به دلیل استناد به اصول قانون اساسی راه سازش کاری را پیش گرفته است. » ما هرگز همه قانون اساسی را تایید نکرده ایم آن بخشی که مورد تایید ماست اصولی است که مناسبات اقتصادی ایران را ترسیم می کند و حقوق مردم را بیان می کند و آزادی اندیشه را پاس می دارد. و اعلام نموده ایم این قانون دارای کاستی های جدی است که ایران را به این فلاکت امروزی دچار کرده است. ولی آقایان با اشاره به یک واقعیت، مانع یک مبارزه منطقی - صنفی می شوند. تشکیلی که درون مایه آن هرگز نمی تواند صنفی باقی بماند زیرا سندیکا ها و اتحادیه های کارگری (جهت اطلاع کارگران مبارز، اتحادیه ترجمه ایرانی سندیکا است.) با به چالش گرفتن مناسبات اقتصادی که حاکمیت کاربردی می کند و جامعه را فلج کرده است، در واقع مبارزه تنها صنفی را نفی می کند. در حالی که می بینیم خود حاکمیت هم سازمان های صنفی زرد و دولتی را به نام « شورا » می خواند و از نام سندیکا ویا اتحادیه پرهیز می کند. یک بار گفتیم و یک بار دیگر تکرار می کنیم: شورا می تواند زمانی به وجود آید که سندیکا های موجود بتوانند و به خواهند یک اتحادیه بزرگ در سطح کشور ایجاد کنند مانند شورای متحده مرکزی سندیکا های ایران در دهه بیست که توانست با قانون کاری که به حاکمیت تحمیل کرده بود، برای اولین بار در تاریخ ایران، بیمه و بازنشستگی و سنوات را برای کارگران به صورت قانونی، ایجاد کند. چرا این روشنفکران کور و کر قشر میانی جامعه از این واقعیت جنبش کارگری ایران که هنوز کارگران از آن بهره می برند چیزی نمی گویند؟! شوراهایی که این جماعت هایدگر زده مطرح می

کنند به قول یکی از کارگران اتحادیه پروژه ای مربوط به زمانی است که انقلاب کارگری پیروز شده و می خواهند یک مدیریت اجتماعی انقلابی پی ریزی کنند نه برای یک مبارزه صنفی. ولی درباره قانون اساسی همان گونه که گفته شد همه اصول این قانون در زیر سایه یک اصل مسخ و فلج شده است و آن اصل ولایت فقیه است. با کنار گذاشتن این اصل و کاربردی کردن دیگر اصول آن مانند اصل های ۴۴ و ۴۵ ویرخی دیگر اصول آن، می توان جامعه را از سقوط نجات داد. زمانی که با تکیه به اصل آزادی اندیشه، احزاب و سازمان ها فعال شدند می توان راهی را مستقل برای کاربردی کردن در جامعه پیشنهاد داد و از آن دفاع کرد تا مردم انتخاب کنند. ما اگر به این یک اصل قانون اساسی که تفسیر اوایل انقلاب آن با تفسیر دوران شروع نولیبرالی (دوران ریاست جمهوری رفسنجانی) باور داشتیم که دیگر اصل های قانون اساسی را به عنوان اصل هایی که می تواند جامعه را نجات دهد مطرح نمی کردیم. ما باور داریم اصل قانونی که در هر زمان، می توان یک تفسیر دیگری از آن ساخت، اعتبار قانونی ندارد. می باید هم چنان که مردم در روزهای اول انقلاب خواسته بودند، یک جمهوری با حقوق برابر سیاسی برای همه مردم ایجاد گردد. در ضمن همه باید بدانند که اصول اقتصاد سوسیالیستی با مذهب مردم مخالفتی ندارد. فقط حاکمیت سیاسی آن را نمی پذیرد. همه می بینیم که روند این چهل سال حاکمیت مذهب و سیر سقوط بدون توانایی برگشت آن، این واقعیت را اثبات کرده است.

ما تصور می کنیم اگر صداقتی در مطرح کردن این طرح های غیر قابل انطباق بر واقعیت های اجتماعی - اقتصادی (شورا به جای سندیکا یا اتحادیه) وجود داشته باشد بدون نیاز به پزیدن به پر و پاچه هم، می توانیم از اتحاد سندیکا ها و اتحادیه های مستقل کارگری یک شورای متحد مرکزی برای همه ایران ایجاد کنیم. البته اگر بتوانیم، سندیکا هارا توسعه بدهیم. و این، مشروط به این واقعیت است که برای ایجاد یک شناخت منطقی - طبقاتی تنها می باید، یک گام جلوتر از کارگران دست به سویشان دراز کنیم؛ نه از فاصله بعید آرمانی. جنبش کارگری ایران به دلیل بی خبری از مبارزات نسل های پیشین نیازمند آشنا شدن با جهان بینی علمی است زیرا تنها این جهان بینی، منافع او را پاسداری می کند. با طرح و تفسیر اصالت وجود (اگزیستانسیالیسم) هایدگر ونیچه و یاسپرس و . . . کارگران به سوی فاشیسم سوق داده می شوند.

اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران

سخن گو ناصر آقاجری

۶ مهر ماه ۱۳۹۷

صدای اعتراض ما به گوش کسی می رسد؟



آنقدر بین دولتمردان و مردم بخصوص کارگران فاصله است که صدای اعتراض گرسنگی شکم ما کارگران به گوش دولتمردان نمیرسد و فریاد در زیر آب است. قانونی که به نفع مردم است مانند حروف والی است نوشته میشه ولی خوانده نمیشه مانند ماده ۴۱ قانون کار یا اصل ۲۶ و ۲۷ از قانون اساسی. کارگر بدلیل نداشتن تشکل آزاد و نماینده واقعی و شایسته دهه هاست حقوقش علیرغم پرداخت هزینه مقاومت و جنگ و تحریم در سالهای گذشته پایمال شده است و این قشر موثر جامعه به بی کس ترین قشر تبدیل شده چرا مجلس حقوق کارمندان را در موضوع منطقه جنگی افزایش دهد ولی شامل کارگر نمیشه!!؟ چرا دولت در این موضوع مخالفت نکرد! و نگفت بار مالی دارد چون شامل خودشان میشود. نماینده مجلس چرا از حقوق کارگر دفاع نمیکند چون اکثرن خودشون کارفرما هستند. از طرفی شوربختانه دولت هم کارفرمای بزرگ است. بخش خصوصی هم چون پول دارد زور دارد پس در این عرصه کارگر بی تشکل تنها مانده است که علیرغم میلش دست به تجمع اعتراضی میزند که این بار حریفش میشود مقامات قضایی. کارگر و کلن

حقوق بگیر بیش از هر زمانی در شرایط کنونی تحت فشار است و تمام بار تورم و گرانی را بدوش میکشد. ما باید خود آستین را بالا زده و وارد عمل بشیم که در ابتدا تشکل مستقل و نماینده آگاه و با دانش و شجاع و ایثارگر انتخاب کنیم سپس با ایجاد اتحادیه های کارگری شرایط جدید را به چالش بکشیم این حرکت های پراکنده در برخی کارگاه های تولیدی نمیتوانند زیاد سودمند باشد شاید در کوتاه مدت توفیقی داشته باشد ولی باز همان آتش و همان کاسه است. لازمه کار اقدامات ریشه ای است. البته اگر کسانی که به عنوان فعال کارگری بگذارند این اتحاد بوجود بیاید افرادی که یا کارگر نیستند و یا در سابق کارگر بودند. برخی افراد دنبال کاسب کاری هستند که رد پای آنها در مشکلات جامعه کارگری کاملاً هویداست افرادی که در به انحراف کشیدن اعتصابات کارگری از حالت صنفی به سیاسی نقش دارند و موج سواری کرده و دنبال منافع خود و یا گروهی فرصت طلب هستند که توان پرداخت هزینه نداشته و کار بی هزینه میخواهند. تا جامعه کارگری شاغل این افراد بظاهر حامی و دلسوز را دفع نکند بجایی نمیرسد. افرادی که برطبل تفرقه بین فعالین قلیل کارگری شناسنامه دار میکوبند تا با به حاشیه بردن این افراد میدان عمل را به دست گرفته و به جریانات کارگری جهت انحرافی بدهند این افراد معمولن از طرف اربابان شان صاحب تربیون هم هستند و در اصل مزدور هستند تا دلسوز. نقش مخرب این افراد در جامعه کارگری از هر حریفی برای کارگر زیان بارتر است.

به امید سرافرازی جامعه کارگری

فریدون نیکوفرد دبیرسندیکای نیشکرهفت تپه

وظیفه تاخیر ناپذیر کارگران احیای حقوق سندیکایی



بحث درباره اهمیت فعالیت سندیکا‌های کارگری در دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان با توجه به وضعیت ناگوار اقتصادی کشور با حرارت در میان فعالین کارگری میهن ما جریان دارد. چگونگی فعالیت سندیکاها، راه های مقابله با جو پلیسی محیط های کارگری، برقراری ارتباط مستقیم و بی واسطه با توده های کارگر در کارگاهها و کارخانه های بزرگ و کوچک، نقش تشکل های زرد و غیر واقعی و از همه مهمتر چگونگی اتخاذ سیاستی صحیح از سوی سندیکا‌های مستقل در برابر طرح های جدید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی خصوصن طرح های مربوط به سه جانبه گرایی، حذف قانون کار، ایجاد مناطق آزاد تجاری که از پوشش قانون کار خارج اند، از جمله مباحث با اهمیت و موضوعات روز در جنبش کارگری - سندیکایی کشور است.

دراین میان بار دیگر شاهد طرح بحثی کهنه از سوی برخی محافل معین هستیم. این بحث قدیمی که ریشه آن به نخستین سال های پس از پیروزی انقلاب باز می گردد، ایجاد نهادهایی مانند شوراهای کارگری در مقابل سازمان های سندیکایی را مطرح می سازد و خواستار سازماندهی شوراهای به جای سندیکا‌های کارگری است. چنین بحثی اینک پس از گذشت سالیانی دراز

به اشکال گوناگون و تحت نام هایی رنگارنگ و گاه استتار شده، مستقیم و غیر مستقیم طرح و برای آن فضا سازی می شود.

نکته پر اهمیت که ضرور است فعالین کارگری، سندیکاهای مستقل و همه دلسوزان واقعی جنبش سندیکایی موجود کارگران به آن توجه دقیق داشته باشند اینکه، طرح اینگونه مباحث انحرافی آنهم در اوضاعی است که خواست احیای حقوق سندیکایی و ایجاد و احیای سندیکاهای کارگری به یک خواست و مطالبه اصلی زحمتکشان بدل گردیده و شماری از سندیکاهای مستقل مانند سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران و چند تشکل دیگر طی دو سال اخیر با فعالیت امیدوار کننده خود در وضعیتی بسیار دشوار در راه تحقق و اجرای حقوق سندیکایی منطبق با منشور جهانی حقوق سندیکایی مصوب فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری و نیز مقاوله نامه های ۹۸ و ۸۷ سازمان جهانی کار تلاش و مبارزه کرده و می کند. بنا براین طرح موضوعاتی که سمت اصلی مبارزه جنبش سندیکایی موجود کارگران را منحرف و آنها را به مسایل فرعی و کاذب مشغول می دارد، نمی تواند باعث نگرانی عمیق کوشندگان هوشیار سندیکایی نباشد. بویژه آنکه در مقطع زمانی حساس کنونی افزایش ایجاد مناطق آزاد تجاری حتا در شهری مانند کرج در دولت آقای روحانی روبرو هستیم. اتخاذ چنین رویکردی بی ارتباط با سیاست کلی جمهوری اسلامی در عرصه های بین المللی و اقتصادی (اجرای فرامین صندوق بین المللی پول) نیست و نمی تواند باشد. از این رو توجه دقیق و ارزیابی صحیح کنشگران سندیکایی از مجموعه رخدادهای کشور بویژه مسایل مرتبط با جنبش سندیکایی کارگران در این مرحله حایز اهمیت اساسی است. باید به تمامی زاویه های این رویکرد کلی دقت داشت. با چنین توضیح و تفسیری می توان علت یا علل طرح دوباره مباحثی چون "شورا در برابر سندیکا" و "سندیکاها غرق در بورکراسی هستند و باید نهادی چون شورا برپا کرد"، را دریافت و

ریشه های آن را شناخت. اتفاقن علی ربیعی خود از مدافعان سینه چاک چنین نظراتی در ابتدای انقلاب بود و نقش او در رواج شعار “سندیکا طاغوتی ست”، در سال های ۵۸-۵۹ فراموش نشده است. یک مثال در این مورد بسیار مفید است، ایلنا ۲۰ مرداد ماه امسال در گزارشی از سخنرانی ربیعی در جمع مسئولان تعدادی از تشکل های غیر مستقل و وابسته به حکومت مانند کانون عالی شوراهای اسلامی کار نوشت: “ربیعی همچنین با اشاره به خاطراتی از سالهای ابتدایی پیروزی انقلاب گفت، اولین بار در سال ۱۳۵۹ به عضویت شورای عالی کار درآمد و پس از آن نیز با همکاری جمعی از دوستان کانون شوراهای کارگری را بوجود آوردیم”. بر پایه همین طرز تفکر بود که با سرکوب سندیکاها و تشکل های کارگری در سال های ۶۰ تا ۶۲ خورشیدی و غیرقانونی اعلام کردن انجمن همبستگی و دستگیری کوشندگان سندیکایی، سرانجام در سایه سرکوب سندیکاها و ترقی خواهان، لایحه شورای اسلامی کار که در پشت درهای بسته و با حضور افرادی مانند ربیعی تهیه و تدوین گردید و پس از حدود یکسال و نیم که توسط شورای نگهبان بررسی شد، بلاخره در بهمن ماه ۱۳۹۳ از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت. این قانون حق تشکل سندیکایی و صنفی مستقل کارگران و حق مشارکت آنان در مدیریت و نظارت بر واحدهای کار را نقض کرده و در مغایرت با تمامی سندهای معتبر سندیکایی بویژه منشور جهانی حقوق سندیکایی و مقوله نامه های سازمان بین المللی کار قرار دارد. مصوبه تشکیل انجمن های صنفی و حدود، وظایف و اختیارات آن که بوسیله تصویب نامه هیات وزیران در سال ۱۳۸۹ ابلاغ گردیده نیز پاسخگوی خواست زحمتکشان برای تشکل های سندیکایی نیست.

فراموش نکنیم همین شوراهای اسلامی در شرکت واحد در تقابل با سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی در اخراج ده ها کارگر مهر تایید زد و به عنوان ابزار کارفرما عمل کرد. به هر روی در خصوص طرح چنین مباحثی انحرافی و زیان بخش ضرور است کاملن هوشیار بود.

وجود سازمان سندیکایی هم در موسسات تولیدی و خدماتی لازم بوده و هم اینکه در مقیاس رشته های مختلف تولیدی - خدماتی سراسر کشور به سندیکاها نیاز است. اصولن کارکرد و وظایف سندیکاها مشخص و متفاوت از نهادهای دیگر از جمله شوراهاست. حیطه وظایف هریک از این تشکل ها معین و متفاوت از دیگری است. از این رو ضمن اینکه وجود شوراهای کارگری در موسسات ضرور قلمداد می شود، هرگز هیچ تشکل دیگری نمی تواند در امر دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان جایگزین سازمان سندیکایی گردد. تجربه دو دهه اخیر و فعالیت جریانات زرد و ضد کارگری اثبات می کند، تشکل صنفی - سندیکایی تنها راه مطمئن و منطقی دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان است. هرگونه طرح بحث هایی چون "سندیکا بورکراتیک" است و باید در پی ایجاد نهاد دیگری بود، نه تنها انحرافی است، بلکه به امر وحدت صفوف کارگران لطمه وارد می سازد. تجربه تاریخی همه کشورهای سرمایه داری گواه بر آنست که نمی توان طبقه کارگر را از تشکل صنفی - سندیکایی بازداشت. این تشکل - تشکل سندیکایی - که نیاز به آن از وضع میلیون ها کارگر در جامعه طبقاتی ناشی می شود، واقعیتی انکار ناپذیر محسوب می شود.

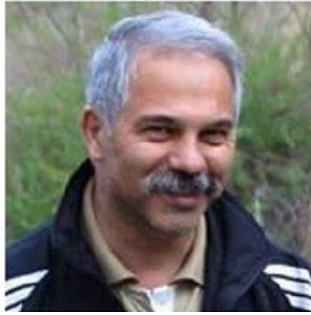
در شرایط امروز حاکم بر میهن ما مبارزه برای حقوق سندیکایی و تامین منافع کارگران بویژه به علت اجرای برنامه هایی چون خصوصی سازی و آزاد سازی اقتصادی یک اولویت قلمداد می گردد. از این رو سمت مبارزه احیای حقوق سندیکایی و ایجاد و احیای سندیکاهای واقعی کارگری است !

هوشیار باشیم، هیچ تشکل دیگری نمی تواند جانشین سازمان سندیکایی شود

عباس خوش رو

کارگر ذوب آهن اصفهان

چه کسی در سودآوری ذوب آهن کوشید؟؟



«علی خانی مدیر اموال انبار و املاک شرکت ذوب آهن: این مدیریت در افزایش سرمایه شرکت تلاش زیادی نمود»

در پیروزی همه شریک هستند ولی شکست پدر و مادر ندارد. این جمله معروف را باید به مدیرانی که امروز کباده پیروزی را به دوش می کشند گفت.

در ۴ سال اخیر حداقل بارها کارشناسان سندیکای فلزکارمکانیک به مدیریت اموال انباراملاک اعلام کردند که لیست دقیقی از اموال موجود در انبارها تهیه کرده تا دوباره آنها را خریده و یا اینکه اموالی را که می توان به کار گرفت بازسازی نمود و نگذارند در ته انبارها خاک بخورند و یا اینکه اگر ضایعاتی به فروش می رسد حتمن نظارت دقیق شود تا اموال شرکت به نام ضایعات به فروش نرود.

شاید آقای علی خانی فراموش کرده اند که کارگران قسمت های مختلف چگونه در میان ضایعات بسیاری از قطعات را بازسازی کردند.

امیدواریم آقای علی خانی ها در نظارت بر اموال شرکت و خرید و فروش آن وسواس بسیار به خرج بدهند.

مازیارگیلانی نژاد عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

سندیکا سنگر زحمتکشان!

گام نخست برای تأمین خواست ترمیم و افزایش مزد در اوضاع کنونی، مبارزه همه جانبه و خستگی‌ناپذیر با استفاده از همه گونه امکانات و روزنه‌ها برای احیای حقوق سندیکایی است. در صورت فعالیت و مبارزه سندیکاهای واقعی می‌توان نیروی اجتماعی مؤثر زحمتکشان را به شکل سازمان یافته و متحد برای تحقق این خواست و دیگر خواسته‌های به حق به میدان کشانیده، و سرمایه داران حاکم را به چالش طلبید.

نباید گذاشت به شکل‌هایی مختلف و در پوشش‌هایی به ظاهر "کارگری" و "مردمی"، نیروی جنبش کارگری- سندیکایی دچار تفرقه شده و در بحث‌های بی‌سرانجام در خصوص نوع تشکلهای کارگری و عوام فریبی‌هایی نظیر "سندیکا رفرمیستی" است و باید نهاد دیگری جایگزین آن شود، گرفتار گردید. در خصوص اهمیت سندیکا در مقام سازمان پایه طبقاتی زحمتکشان باید تأکید کرد. احیا و ایجاد سندیکاهای و احیای حقوق سندیکایی در اولویت قرار دارد. تشکیل هر نهاد دیگری نباید و نمی‌تواند با این خواست بنیادین در تضاد قرار گیرد. فراموش نکنیم که در اوایل انقلاب بحث‌های انحرافی سبب پراکندگی در صف‌های جنبش کارگری- سندیکایی شد و از این طریق سرمایه داری توانست به راحتی جنبش را سرکوب و منافع طبقه کارگر را پایمال سازد. به هر روی، با تمام توان جهت اتحاد عمل و پرهیز از تفرقه باید حرکت کرد.

دستمزد مناسب حق کارگران است!

همه آنانی که در این روزها و ماه‌های دشوار بحران اقتصادی و سقوط قدرت خرید کارگران از ترمیم مزد دم می‌زنند و خودشان را نمایندگان کارگران و تشکلهای شان را تشکل صنفی کارگری معرفی می‌کنند، باید بگویند اگر دولت و کارفرمایان از اجابت این خواسته‌های مشروع سرباز زدند، چه خواهند کرد؟ به چه علت در قبال این اقدام یعنی توسل به حق اعتصاب، سکوت اختیار کرده و لب فرومی‌بندند؟!

پیروزی دیگری برای کنشگران ذوب آهنی

در پی درج مشکلات کارگران ذوب آهنی در نشریه پیام سندیکا، پیروزی دیگری برای کارگران و کنشگران ذوب آهنی رقم خورد. با توجه به اعتراضات بی شمار کارگران ذوب آهن برای گرفتن پاداش جهت کارهای ابتکاری و سوده برای شرکت مهندس حسینی مدیر سازماندهی و روش های شرکت ذوب آهن به نقل از مدیر عامل شرکت اعلام نمود: «جهت افزایش رضایت کارگران و ایجاد انگیزه در محیط کار و بالا رفتن کیفیت محصولات توزیع پاداش راندمان تولید در سطوح مختلف بر مبنای کارنامه بهره وری از شهریور ماه اجرایی شده هر چند که در گام اول ۲۰ درصد در شهریور ماه به کارگران داده شد که از این پس بصورت ۱۰۰ درصدی قابل پرداخت است.» سوددهی ذوب آهن با ابتکارات و سخت کوشی کارگران به سرانجام رسیده است و باید کارگران از این سود نصیبی ببرند.

در یادداشتی که اوایل شهریورماه رفیق مان مازیارگیلانی نژاد در سایت رسمی سندیکا منتشر کرد «تولید ثروت و تقسیم آن» به موضوع ناچیز بودن دریافتی کارگران در مقابل کار ارایه شده، پرداخته بود. او نوشته بود «زمانی می توان از هر کارگری توقع داشت که در تولید فاخر و همچنین افزایش آن نهایت توجه و توانایی خود را به کار گیرد که قبلن آن کارگر از تولید ثروت به دست خود بهره برده باشد...»

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران این دستاورد را به همه کنشگران و کارگران ذوب آهنی شادباش می گوید و موفقیت های بیشتری را آرزومند است.

واگویه های وارتان

ای نفت...

ای مایعی که در طول میلیونها سال

در جنبش تمام ناشدنی چرخه طبیعت

همدم دورانمان گشته ای

امروز بوی مست کننده تو

و طعم دلنشینت... سرمایه گذاران این دیار را

به چپاول بی رحمانه کارگران

و استثمار آنان

راهنمایی می کند

که چگونه در جهت بهره کشی از انسانهای این مرز و بوم

حسابهای پر از پول بانکیشان را

برای توسعه در بانکهای جهانی

به عنوان یک فرصت طلایی

بخت آزمایی کنند

وارتان خرمدین

پالایشگاه بندر عباس، کمپ حاجبی

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی



خرمالا

در یکی از روستاهای شهرمان آخوندی با الاغش می رود جلو مسجد الاغش را به درختی می بندد وارد مسجد می شود بعد از ادای احترام آغا به منبر می رود . از احکام و واجبات صحبت می کند . مردی روستایی هی از آغا سوال می کند . آغا هم دوباره و سه باره شرح می دهد . و خوشحال می شود که ایشان به احکام و شرعیات خوب گوش می دهد . خدا را شکر

بعد متوجه می شود کسی روستایی را صدا کرد . وقتی برگشت دیگر هیچ سوالی نکرد . نگو پسر اون روستایی با الاغ آغا داره بارکشی می کرده . مقداری کود حیوانی بوده آنها را به باغ می برده . که پدرش سر آغا را مشغول کند.

زنان شاغل از مشکلاتشان در محیط کار می‌گویند:

حقوق

مشکل دیگری که زنان شاغل مطرح می‌کنند پایین بودن حقوقشان در مقایسه با مردان در رده شغلی مشابه است. گلاره با مقایسه چند شرکت خصوصی که در آنها کار کرده است می‌گوید: «حداقل در شرکت‌های خصوصی، حقوق دریافتی خانم‌ها از آقایان پایین‌تر است، حتی با اینکه ممکن است خانم‌ها، وظایف بیشتری برعهده داشته باشند.» مریم که ۳۳ سال دارد و در یک شرکت خصوصی مشغول به فعالیت است می‌گوید «حقوق یک مرد در رده شغلی من حدوداً دو برابر بیشتر است»

بسیاری از پاسخ‌دهندگان مساله پایین بودن حقوقشان نسبت به مردان را «آزاردهنده» دانستند. سمیرا می‌گوید: «بعضی از خانم‌ها هم به حقوق کم قانع هستند» سمیه که ۲۷ ساله است و اکنون در یک شرکت نرم‌افزاری کار می‌کند از تجربه کار در یک کتابفروشی در حاشیه تهران می‌گوید «رسماً بیگاری بود، روزی دوازده ساعت حتی جمعه‌ها و روزهای تعطیل، چند ماه مهم سال هم مرخصی ممنوع، بدون بیمه، کلاً ماهی ۲۰۰ هزار تومان می‌دادند. با خودم گفتم بروم آنجا بنشینم بهتر از این است که خانه باشم، ولی همان موقع کاملاً حس می‌کردم این شرایط اصلاً انسانی نیست. فروشنده خانم می‌خواستند، خانم‌ها راحت‌تر این شرایط را می‌پذیرند مخصوصاً مجردها و جوانترها. آقایان، چون مسئولیت زندگی دارند زیر بار نمی‌روند، من هم، چون نه سابقه کار داشتم نه چیزی از محیط کار و حق و حقوق می‌دانستم آن وضعیت را پذیرفتم. می‌دانستم انقدر آدم بیکار هست که من بروم بلافاصله یک نفر دیگر می‌آید جای من. پس کارفرما الزامی برای جلب رضایت من حس نمی‌کرد»

خانمی که خود را «بینام» معرفی می‌کند ۳۳ ساله و مهندس الکترونیک است. او در رابطه با علت پایین بودن حقوق نسبت به مردان می‌گوید: «فکر می‌کنند، چون خانم هستیم خرج زندگی نداریم پس باید به سطح پایین‌تری از حقوق راضی باشیم!»

"وزیر تنهایی" در انگلیس



دولت انگلیس وزیر جدیدی را با عنوان "وزیر امور تنهایی" منصوب کرد. به گفته نخست وزیر این کشور با هدف رسیدگی به "واقعیت تلخ زندگی مدرن" صورت گرفته است.

به گزارش ایسنا، تریسی کروچ، این مسئولیت جدید را که محوریت آن اجرای راهبردی کلان برای مقابله با معضلات زندگی افراد تنها در انگلیس است، برعهده می‌گیرد.

ترزا می، نخست وزیر انگلیس در این باره گفت: برای بسیاری از افراد تنهایی واقعیت تلخ زندگی مدرن است. من می‌خواهم با این چالش که در جامعه ما وجود دارد، مقابله و در راستای توجه به تنهایی اقشار مختلف از جمله افراد مسن و افرادی که عزیزان خود را از دست داده‌اند و کسی را برای صحبت کردن و تبادل افکار ندارند، اقدام کنم.

صلیب سرخ انگلیس اعلام کرده که در حال حاضر بیش از ۹ میلیون تن در این کشور همواره یا اغلب اوقات، تنها هستند. وی این نهاد تنهایی و انزوا را یک اپیدمی پنهان توصیف کرده که در میان تمامی رده‌های سنی شایع است.

ایجاد این وزارت به پیشنهاد کمیته‌ای به یادبود جو کاکس، قانونگذار اپوزیسیون از حزب کارگر صورت گرفت که توسط یک فرد افراط گرای راستی به قتل رسید. سازمان جو کاکس در صفحه توییتر خود نوشت: جو در طول زندگی خود به ویژه در دوران دانشجویی همواره در تنهایی به سربرد.

سخنان خوزه موخیکا رییس جمهور فقیر در مستند "بشر"

من "خوزه موخیکا" هستم. اولش برای تامین زندگی‌ام، تو یه مزرعه، کشاورزی می‌کردم. بعد زندگی‌ام رو وقف مبارزه برای تغییر کردم تا زندگی در جامعه‌ام بهتر شه. و حالا رییس جمهورم و فردا مانند هرکسی، فقط توده‌ای از کرم خواهم بود و ناپدید خواهم شد

ما در اروگوئه جت اختصاصی رییس‌جمهور نداریم، به ویژه که داشتنش برامون مهم نیست. تصمیم گرفتیم که هلیکوپتری بسیار گرانقیمت، هلیکوپتر نجات با وسایل جراحی، از فرانسه بخریم تا به صورت آماده باش در مناطق دورافتاده بمونه. به جای خرید جت اختصاصی رییس‌جمهور، یه هلیکوپتر داریم که به منطقه‌ی مرکزی اروگوئه اعزام می‌شه تا مصدومین حوادث رو نجات بده، و خدمات پزشکی اورژانس ارائه بده

شما همیشه می‌تونید دوباره برخیزید. ارزشش رو داره که باز از صفر شروع کنید، یه بار یا هزار بار، چون هنوز زنده هستید. این بزرگترین درس زندگی‌ست. به زبون دیگه، شما شکست نمی‌خورید مگر اینکه خودتون از مبارزه دست بردارید. شما زمانی از مبارزه دست برمی‌دارید که رویای خود را کنار می‌گذارید. جنگیدن، رویا داشتن، روی زمین بودن و مواجه شدن با واقعیت، این چیزیه که به وجود و به زندگی ای که در پیش می‌گیریم، معنا می‌بخشه. با پروردن کینه، بیزاری و حسد در خود، نمی‌تونید زندگی کنید. شما باید بیاموزید که جای زخم‌هاتون رو ببندید و به راه تون به سوی آینده ادامه بدین. اگر زندگی مو به لیسیدن زخم‌هام بگذرونم، نمی‌تونم پیش برم

چکیده ای از مانیفست حزب پیشتازان عدالت

من شهروند هستم، یعنی من برده و رعیت نیستم. یعنی من صاحب حق‌های انسانی هستم. یعنی من حق حیات انسانی دارم. یعنی من حق دارم که سرنوشت خودم را تعیین کنم. یعنی من آزادم و تحت سلطه‌ی اراده‌ی مستبدان نیستم. یعنی من شان و حیثیت و کرامت انسانی دارم. یعنی ما انسان‌ها، همه با هم در همه‌ی زمینه‌های زندگی اجتماعی، دارای حقوق انسانی برابریم

دفاع از حقوق انسانی : حق حیات ، تعیین سرنوشت ، کرامت و حیثیت انسانی ، آزادی ، برابری (عدم تبعیض) ، امنیت ، دادگستری مستقل و منصفانه ، احترام به زندگی و حریم خصوصی ، آزادی عقیده ، بیان و دستیابی آزادانه به اطلاعات ، آزادی های گروهی ، اجتماعات و تشکل ها ، حقوق اقتصادی-اجتماعی رفاهی ، حق بر کار ، مزد منصفانه ، شوراهای ، سندیکاها و اتحادیه های صنفی برای دفاع از حقوق و منافع نیروی کار ، حق سطح زندگی مناسب (سلامتی ، رفاه و تامین اجتماعی) ، حق بر استراحت ، فراغت و تفریح ، حمایت اجتماعی از زنان و کودکان ، آموزش و پرورش ، حقوق فرهنگی ، حق بر توسعه و پیشرفت ، صلح ، میراث مشترک بشری ، محیط زیست ، حق بر خوشبختی و شاد زیستن ، حقوق کودکان بویژه کودکان کار و خیابان ، اقلیت ها ، سالمندان ، پناهندگان و اشخاص دارای معلولیت و سایر نیروهای اجتماعی ، رسالت انسانی و اجتماعی ما است

سیاست زدایی، سیاست گریزی، بی خبری از اوضاع، غوطه ور بودن در زندگی کم بعد فردی - خانوادگی که سرمایه داری، ماهرترین مروج آن بوده، نمی گذارد که انسان ها، عرض و طول خطر را حس کنند. دغدغه فردی و خانوادگی هست ولی دغدغه اجتماعی و نوعی بسیار نادر است و حال آن که امروز باید سخت به جامعه و به نوع اندیشید. و وای بر آنان که بار وزن این تنش تاریخی و بیم بروز یک رستاخیز ویرانگر را هر لحظه حس می کنند. مانند اطلس، سنگینی کره زمین را بر شانه ها دارند و از آن سنگین تر. آنان که کمابیش از خرد علمی - تاریخی بهره ورنده، زندگی شان در این تنش ها تماما خودسوزی است. شعله هایی که در آسیا و اروپا در دوران قرون وسطی ده ها و ده ها انسان بزرگ را در هلهله شادی رجاله گان خاکستر ساخته، در یاخته های آن ها زبانه می زند. آه، چه زمانه ای! بگذار تسلیم یاس نشویم و به خرد و دلاوری انسان های عصر باور داشته باشیم! بگذار خوش بمانیم و پیکار کنیم

در زمان بحران های اقتصادی جامعه به کدام سو خواهد رفت؟

تجربه نشان داده است وقتی فشار اقتصادی و سیاسی در ایران از حد آستانه تحمل مردم بالاتر برود جامعه ایران بر خلاف تصور عده ای به شورش های بی صدا و شورش های سفید یعنی بزهکاری، اعتیاد، گسست اجتماعی، افزایش خشونت اجتماعی و خودکشی و بیماری روانی و درگیری ها و نزاع های منطقه ای و نهایتاً از بین رفتن جامعه مدنی روی می آورد. در ایران به مرور خواهید دید انچنان فشار بر مردم زیاد می شود و از آستانه درد میگذرد که حس همبستگی و اخلاق مدنی و اخلاق انقلابی بیش از پیش از میان خواهد رفت بخصوص در ایرانی که هم هویت ملی خدشه دار است و هم هویت مذهبی. در حوزه روانشناسی سیاسی زمانی که فشار و سرکوب از «آستانه درد» و تحمل فراتر برود، در غیاب نیروها و احزاب بدیل نظم موجود در وضعیت آلترناتیوی دو اتفاق می افتد. اول اینکه در صورت شکاف بین دولت و ملت چنانچه مردم احساس کنند با شورش و طغیان ساختارشکن می توانند حاکمیت را سرنگون کنند، در مسیر شورش قرار می گیرند که در غیاب نیروهای سازماندهی کننده مترقی و متعهد مستعد انحراف و اقدامات کور می شود. دوم اینکه اگر شرایط امنیتی کشور اجازه و امکان شورش توده یی را ندهد یا اعتراضات پراکنده را با سرکوب پر هزینه کنند یک دوره یاس و انفعال بر جامعه حاکم می شود که برای تخلیه پتانسیل انباشته خود مبادرت به تخریب خویش کرده و در این شرایط اعتیاد، فحشاء، دزدی، خودکشی. بی تفاوتی، زندگی انگلی و ... رشد بسیار مضاعف و ناهنجاری بر جامعه غالب می شود. در چنین وضعیتی وظیفه نیروهای ترقی، عنصر آگاه و فرد فرد جامعه برای تغییرات اساسی و تغییر وضع موجود، اجتناب از این دو انحراف خواهد بود و ضرورت تلفیق تلاش برای آگاهی بخشی، ایجاد نیروی آلترناتیوی، اتحاد عمل، برنامه ریزی، سازماندهی و توده یی کردن مبارزه حول مطالبات واقعی جامعه خواهد بود.

زندانی در برزیل

زندانی در برزیل وجود دارد که زندانیان با خواندن یک کتاب و نوشتن برداشت خود از کتاب می‌توانند چهار روز از مدت زمان حبس خود کم کنند!

مردی که به جرم سرقت مسلحانه به زندان محکوم شده بود با خواندن حدود سیصد جلد کتاب، مدت حبس خود را از ده سال به کمتر از هفت سال کاهش داد. این مرد پس از آزادی از زندان، به لطف مطالعات و دانش کسب شده در مدت حبس، بلافاصله در آزمون ورودی معتبرترین دانشگاه این کشور پذیرفته شد و اکنون پس از گذشته ده سال از آزادی خود و اخذ مدرک دکتری، به عنوان استاد و مدرس دانشگاه مشغول به کار است.

او بر بسیاری از دوستان متخلف خود اثرات مثبت گذاشت و فرزندان او نیز تحت تاثیر این اقدام پدر، تغییر مسیر داده و در دانشگاه‌های معتبر پذیرفته شدند.

او با این عمل خود الهام بخش افراد زیادی در گرایش به مطالعه و تغییر مسیر زندگی خود شده است.

و به راستی که فرهنگ همیشه وحشتناک‌ترین چیز برای یک دیکتاتور است زیرا مردمی که کتاب بخوانند هرگز برده نخواهند شد...!!

همت بلند دار که مردان روزگار

از همت بلند به جایی رسیده اند

تا باد چنین بادا...

مبانی اقتصاد سیاسی نوشته نیکی تین (۳۷)

○ شیوه تولید سرمایه داری

شیوه ی تولید سرمایه داری؛ از دل نظام زمینداری پدید آمد. این نظام طی تکامل خود از دو مرحله می گذرد: ماقبل انحصار و انحصار (امپریالیسم) این دو مرحله پایه ی اقتصادی مشترکی دارند: مالکیت خصوصی کاپیتالیستی وسایل تولید و استثمار کار اجبر شده. لیکن سرمایه داری پیش از انحصار و امپریالیسم، نقاط افتراقی نیز دارند .

✓ سرمایه‌داری پیش از انحصار، دوره ای از تکامل سرمایه‌داری است که در آن، رقابت آزاد وجود داشت و نیروهای مولد با سیر صعودی و کم و بیش به سهولت، تکامل یافتند. در ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه و دیگر کشورهای که از نظر اقتصادی توسعه یافته‌اند، سرمایه داری پیش از انحصار تا دو سه دهه آخر قرن نوزدهم که حوادث تازه‌ای در اقتصاد و شورهای سرمایه‌داری رخ داد، رایج و حاکم بود. اما حوادث مزبور، به سرمایه‌داری، کیفیت تازه‌ای بخشید: رقابت آزاد منتهی به تسلط انحصارهایی شد که از پس، نقش قاطع و تعیین کننده‌ای را در امور اقتصادی کشورهای سرمایه‌داری بازی می‌کنند .

✓ مقارن پایان سده‌ی نوزدهم و آغاز سده‌ی بیستم، سرمایه‌داری پیش از انحصار، به امپریالیسم بالاترین و آخرین مرحله‌ی تکامل سرمایه‌داری، تغییر یافت.

○ الف - سرمایه‌داری پیش از انحصار

تولید کالایی - کالا و پول

✓تحلیل نظام سرمایه‌داری با کالا آغاز می‌شود .

✓ در نظام سرمایه‌داری هر چیز، از یک سنجاق گرفته تا یک کارخانه‌ی غول‌آسا و حتی نیروی کار انسان، در حالی که شکل کالایی به خود گرفته است، خرید و فروش می‌شود.

۱ - توصیف عمومی تولید کالایی

مفهوم تولید کالایی :

منظور از تولید کالایی، تولید فراورده‌ها نه به منظور استفاده‌ی شخصی بلکه برای فروش، برای مبادله در بازار می‌باشد.

"منظور از تولید کالایی، سازمانی از اقتصاد اجتماعی است که در آن، فراورده‌ها، به وسیله‌ی تولید کنندگان مستقل، مجزا از یکدیگر، که هر یک در ساختن نوعی فراورده تخصص دارند، تولید می‌شوند، به طوری که برای رفع نیازمندی‌های جامعه، خرید و فروش این تولیدات (که بنابراین به صورت کالا در می‌آیند) در بازار، ضروری است."

تولید کالایی، که در دوره‌ی فروپاشی نظام اشتراکی اولیه آغاز گردید، در شیوه‌های تولید برده‌داری و زمینداری با وجود آن که اقتصاد طبیعی در این دو دوره غالب و متداول بود، وجود داشت .

در اقتصاد طبیعی، جامعه از مجموعه‌ای از واحدهای اقتصادی همسان تشکیل می‌یابد که هر یک، همه‌ی اقسام کار، از تهیه‌ی مواد خام گوناگون تا عمل آوردن آن‌ها برای مصرف خود را، انجام می‌دهند .

این گونه اقتصاد (اقتصاد طبیعی)، که در آن، بخش اصلی تولید مازاد مبادله می‌گردد، تا ظهور سرمایه‌داری معمول و مسلط بود.

پیدایش و تکامل حیات (۲۱)

✓ ظهور این قابلیت در سلول‌ها یعنی پیدا شدن قدرت به دست آوردن انرژی از مواد درون خود، باعث وقوع بعضی از فرایندهای انرژی‌زا شد. از این همهی واکنش‌هایی که به ترکیب مواد یا مبادله‌ی اتم‌ها میان مواد یا تغییر ترتیب اتم‌های مواد می‌انجامید و پیش‌تر منحصرن در پهنه‌ی اقیانوس‌ها صورت می‌گرفت، درون سلول انجام گردید. از این گذشته چون اجزای لازم برای واکنش‌های گوناگون همه گرد هم و درون سلول فراهم بودند، به علاوه پروتئین که به منزله‌ی آنزیم برای تسریع واکنش‌ها به کار می‌رفت نیز مستقیم در دسترس سلول بود، واکنش‌ها سریع‌تر و مطمئن‌تر صورت گرفتند و از آن‌جا که انرژی پیوسته در داخل سلول تولید می‌شد، واکنش‌ها بدون نیاز به تخلیه الکتریکی یا اشعه‌ی پرانرژی خورشید انجام گرفتند.

✓ حاصل آن که سلول توانست نه تنها نوکلئوپروتئین بسازد بلکه همهی مواد آلی پیچیده را نیز پس از جذب مواد خام از اقیانوس، تهیه کرد. این محصولات سلولی درون آن جمع شدند و به ابعادش افزودند و به رشد سلول انجامیدند. سرانجام فعالیت‌های گوناگون سلولی با احتیاجات زمان و مکان، هماهنگ شد و چنان که بعدن خواهیم دید، نوکلئوپروتئین‌های درون سلول، اثر مهمی در کنترل این فعالیت‌ها پیدا کردند. به علت وجود نوکلئوپروتئین‌ها و تاثیر آن‌ها در فعالیت‌های سلولی، سلول‌ها توانستند، علی‌رغم اوضاع متغیر محیط، همواره در حالت پایداری به سر برند. در حال حاضر بعضی از نوکلئوپروتئین‌های سلول، علاوه بر کارهایی که سابقن داشتند، یعنی علاوه بر تامین رشد و تکامل سلول، به کار اداره و تنظیم فعالیت‌های سلول نیز می‌آیند. این نوکلئوپروتئین‌های نو همان ژن‌ها هستند. نوکلئوپروتئین‌های آزاد اقیانوس اولیه، نه تنها اخلاقی (جانشینان) به صورت ویروس‌های کنونی تولید کردند

بلکه موجد (به وجود آوردن) ژن‌ها که در سلول‌های پیکر همه موجودات زنده وجود دارند، نیز شدند.

✓ نتیجه آن‌که سلول‌های اولیه می‌توانستند تخمیر کنند و به ترکیب کردن مواد به پردازند، رشد کنند و تقسیم شوند و حالت پایدار خود را همچنان حفظ کنند. از این گذشته می‌توانستند مستقلان تغذیه کنند و نوکلئوپروتئین‌هایی به وجود آورند که جهش و تکامل یابند. این قابلیت‌ها را بر روی هم به نام آثار حیاتی می‌شناسیم. احتمال دارد که در هر یک از نخستین سلول‌ها، تعدادی توده‌های نوکلئوپروتئینی محتوی ژن، بیش از یکی بوده است. در اخلاف بعضی از این سلول‌ها توده‌ها پراکنده و بی‌نظم قرار گرفتند. این وضعی است که در حال حاضر در سلول‌هایی مانند باکتری‌ها که هنوز صورت اجدادی دارند دیده می‌شود. شناخت حال، کلید درک گذشته را در اختیار ما قرار می‌دهد. اجداد باکتری‌های کنونی نیز مانند اجداد ویروس‌های کنونی به درستی معلوم نیستند ولی باکتری‌های کنونی، از نظر ساختمان و فعالیت‌های حیاتی، بسیار شبیه چیزی هستند که ما نخستین سلول‌ها را بدان صورت می‌پنداریم و این نخستین سلول‌ها ممکن است اجداد باکتری‌های کنونی باشند. در گروه دیگری از نخستین سلول‌ها، توده‌های نوکلئوپروتئینی پراکنده باقی نماندند بلکه به صورت سازمان واحدی به نام هسته گردهم آمدند. نخستین سلول‌های واجد هسته‌ی مستقل محتوی ژن، احتمالاً اجداد بسیاری از انواع سلول‌های کنونی بودند.

□ ○ تکامل مغز : ✓ سیستم عصبی در جریان تکامل حیوانات به وجود آمد و رشد کرد و در مهره‌داران مخصوصاً در پستانداران عالی که مغز پیچیده‌ای دارند به حد کمال رسید. سلسله موجودات تکاملی از چند شکل ساده تا اشکال پیچیده، گوناگون و فراوانی که امروزه می‌بینیم و به انسان می‌رسد، با در نظر گرفتن سیمای اصلی‌شان ثابت و مشخص شده‌اند. به علت این امر نه تنها امکان‌پذیر شده است که جانداران طبیعت را توجیه کنیم، بلکه می‌توانیم

پایه‌هایی نیز برای اساس ما قبل تاریخ مغز انسان فراهم سازیم تا مراحل مختلف تکامل آن را، از پروتوپلاسم ساده پست‌ترین موجودات که فاقد ساختمان بوده ولی حساسیت داشته‌اند، تا انسان متفکر کنونی تعقیب کنیم.

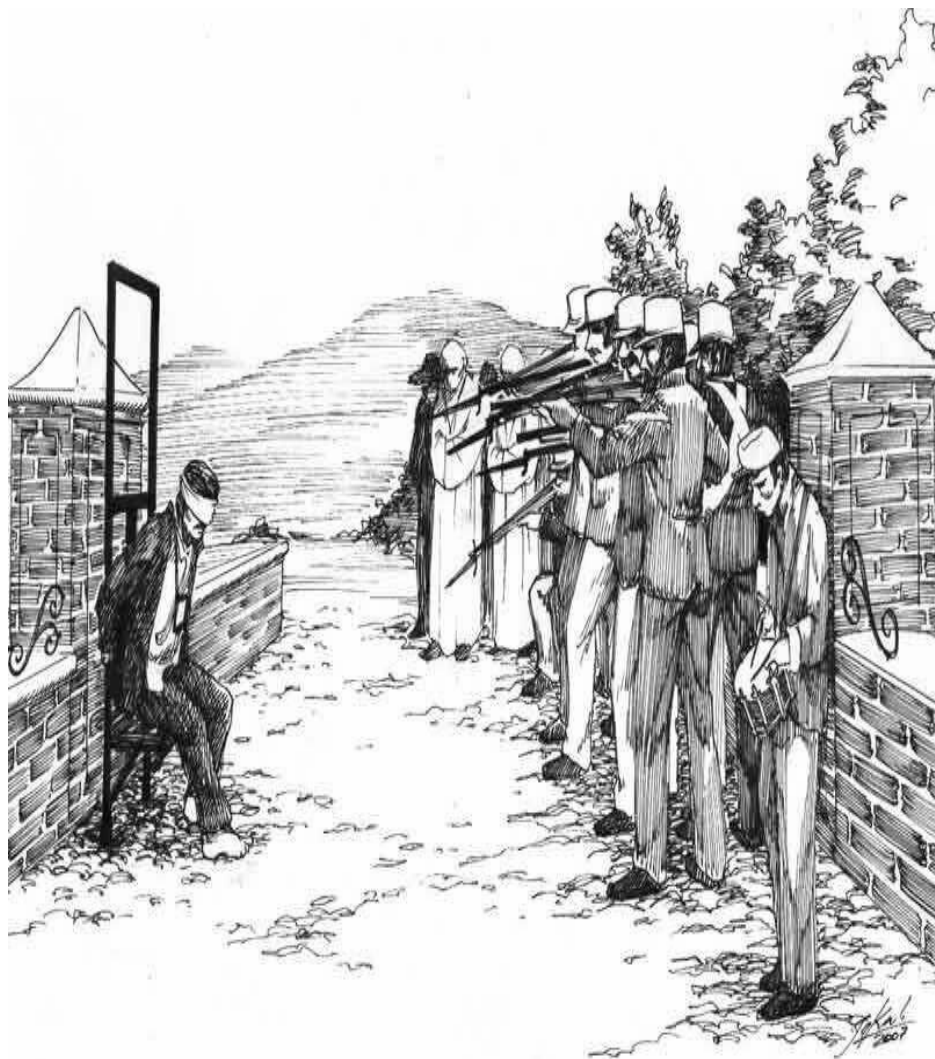
✓ عوامل مختلفی در تکامل مغز دخالت داشته‌اند اما کار و هم راه آن تکلم دو عامل محرکه‌ی اصلی هستند که تحت تاثیر آن‌ها مغز میمون آدم نما رفته رفته به مغز انسان تبدیل شد؛ مغزی که علیرغم همه شباهت‌هایش به میمون، بسیار بزرگ تر و کامل‌تر از آن است. با تکامل مغز تکامل وسایل کاملن وابسته به آن، یعنی دستگاه عصبی نیز، تکامل یافت.

✓ در عین حال عوامل دیگری که اهمیت زیادی داشته‌اند بدین قرار است :
تاثیر شیوه‌ی جدید زندگی زمینی، انتقال به حرکت قائم، خوردن گوشت و مخصوصن مغز استخوان، عادات زیاد به زندگی گله‌ای، و بالاخره استعمال ابزار که با استفاده از سنگ و چوب برای به دست آوردن غذا و دفاع در مقابل حملات جانوران درنده شروع می شود.

✓ تکمیل راه رفتن قائم و رشد و تکامل اعمالی که دست به کمک ابزار انجام می داد، رشد پیش‌رونده‌ی مغز و تغییر و جهش متقابل جمجمه را تسهیل کرد. اما نیروی محرکه‌ی نهایی در تحول قطعی و قابل ملاحظه‌ی تاریخ انسان هنگامی صورت گرفت که اجداد ما از ابزار استفاده، و توانستند ابزار بسازند و فعالیت واقعی کار برقرار شد و سپس عوامل تکاملی نیرومند جدیدی یکی پس از دیگری ظاهر گردید. بنابراین بدین طریق حرکت قائم حتی اگر غیرمستقیم هم باشد، رشد مغز انسان‌های اولیه را تسهیل کرد، مخصوصن به علت این که راه رفتن قائم دست‌ها را از وظیفه حمل بدن آزاد ساخت و در نتیجه طرز گرفتن و زدن، جدید و خاصی را برای دست‌ها فراهم آورد؛ و موجب تکمیل و ظریف شدن دستگاه حسی پوست به شکل خطوط و نقاط برجسته روی دست‌ها و پاها گردید.



ایکاش ترازویی بود ، شخصیت ، انسانیت و مرام آدمها را
وزن می کرد .



کشتن مردم بخاطر داشتن اندیشه ای متفاوت وحشت آور نبود.
مایه ی وحشت این بود که حرفشان راست باشد...!